

انقلاب اسلامی

یکشنبه ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۹ - ۶ شوال ۱۴۰۰ - ۱۷ اوت ۱۹۸۰ - شماره ۳۲۹ - سال دوم
تک شماره ۱۵ ریال

امام خمینی:

این عنایت معجزه آسا دلیل آنست که شما و همراهانتان در خدمت به کشور اسلامی صدیق بوده و صدیق خواهید بود

بنی صدر: عنایت و حمایت امام امت را همواره نشانه عنایت الهی میدانستم و میدانم

انقلاب اسلامی ایران و انقلابهای دیگر

قرار بر این بود که سرفاله چند روز قبل به این امر اختصاص داده شود اما انجامش به امروز موکول گردید. در سرفاله "انقلاب زودرس؟! معلوم شد که نه تنها انقلاب اسلامی ایران زودرس نبوده، بلکه درست در زمانی انجام شده است که از نابودی اسلام و ایران جلوگیری کرده است و اما تفاوتی انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلابهای جهان:

انقلاب اسلامی ایران دارای چنان رهبری قاطع و صریح بوده که همه را مات و مبهوت کرد و ایستادگی و صراحت به انقلاب روح و توان تازه می بخشید و در سایه این قاطعیت و صراحت انقلاب با سرعت هرچه بیشتر به پیش میرفت و فرصت عمل کردن را از ضدانقلاب و عمال هیئت حاکمه داخلی و خارجی گرفته بود و همین امر یکی از مهمترین علل پیروزی انقلاب بشمار میرود. اگر به تمام رهبران انقلابی توجه کنید بندرت رهبری پیدا خواهید کرد که از ابتدا تا انتهای انقلاب در خط آردی و استقلال گام برداشته باشد و به این با آن ابرقدرت و استمکنی نرفته باشد. این نیز یکی دیگر از وجهه های اختصاصی انقلاب اسلامی ایران است.

انقلاب اسلامی ایران این افسانه را که "ما مست خالی نمی توان جنگید" از بین برد و برای بشریت راهی نو گشود. سالها در ایران بحث بر این بود که بدون اسلحه انقلاب ممکن نیست و برای اینکه انقلاب به پیروزی برسد بایستی که به سلاح مجهز شد تا بتوان در برابر نظام طاغوتی پهلوی ایستادگی کرد و سرانجام او را از پای آورد و شاید مطلق کردن اسلحه بوده است که مانع از انتقاد صحیح عقیدتی از کسانی که دست به این کار زده بودند شد و النطاق را بوجود آورد. این راه نو که سلاحش الهی و خدا بود، همه را بمیدان مبارزه کشاند و چنان موجی برانگیخت که قدرت طاغوت را درهم شکست و قبل از اینکه رژیم گذشته بخود آید او را در دریای انقلاب غرق و نابود ساخت. بنابراین اینکه "مشت با درفش نمی جنگد" را از بین برد و برای همیشه مدفون ساخت. در پاریس عداوتی برای پاره های سؤالات خدمت امام رسیدیم، بعد از طرح چند سؤال امام بجواب مبادرت ورزیدند، در ضمن جواب یکی از سؤالات، امام فرمودند که: همه گروهها و قشرها بایستی در صفی واحد مبارزه کنند و تا یکدیگر هرچه بیشتر در یکجایی تمام ملت، جهت رسیدن به هدفی که مورد قبول همه است اینجانب پرسیدم هدف درست و مورد قبول همه نیز، اما هر دسته و گروهی رسیدن به آن هدف مورد قبول همه را در گرو راه خودش میدانند. امام در پاسخ فرمودند: که از راه دیگر و مطمئن تر غیر مسلحانه نیز میشود انقلاب کرد و به نتیجه رسید. باید به سلاخی دست یافت که دشمن تاب مقاومت را بر این را نداشته باشد. این راه نو یک اساس را فروری همه مبارزین قرار داد و نشان داد که اگر نهضت های آزادی بخش بخواهند به آزادی واقعی برسند بایستی که خدا را اساس کار قرار دهند و از قید هر مطلق خود را آزاد سازند.

انقلاب اسلامی ایران برخلاف تمام انقلابهای دیگر سازمان متشکل سیاسی نظامی نداشت. هر انقلابی که به پیروزی رسیده است، در سایه یک سازمان متشکل سیاسی - نظامی بوده که از طریق مبارزه مسلحانه و تکیه بر سازمان سیاسی خویش انقلاب را به پیروزی رسانده است: انقلاب الخراب بعد از ده سال و با دادن بیش از ۱/۵ میلیون شهید توانست فرانسه را از پای در آورد. و پستام در طول ۱۶ سال جنگ مسلحانه و با تلفاتی سنگین

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در بی سانجهای که برای دکتر ابوالحسن بنی صدر ریاست جمهوری رخ داد پیامی به این شرح خطاب به ایشان فرستادند

بسم الله الرحمن الرحیم
جناب آقای بنی صدر رئیس جمهور حفظ الله تعالی، نجات جنابعالی و همراهان محترم از سانجهای که به حسب عادت مصیبت بار باید باشد، نشانه ای از الطاف الهی برای پیشرفت انقلاب اسلامی است. از این امور دست قدرت حق آنگار از آن پیدا است که همه در جهت حفظ این کشور و ملت است کز آن دیده ام و انشاء الله است کز آن پس نیز عنایات تعالی از این پس نیز عنایات پروردگاری با ماست و با همه وجود در بنگاه مقدس نگراریم. ما همه از خاندانم و باید در راه خدمت به وسیله این عنایت محرومانا دلیل آنست که شما و همراهان در خدمت به کشور اسلامی صدیق بوده و صدیق خواهید بود.

سایه به سکرانه این نعمت بزرگ زندگی تابی خود را بیس از پیش وقف خدمت به اسلام و کشور اسلامی بنمائید و ملت بزرگ، با رویت این عنایات بی دریغی اطمینان کامل داشته باشید. مادام که در خدمت اسلام هستند آسید بر بیستند و دشمنان کورند کشور بداند که با توطئهها و شیطنتها نخواهند توانست کشور اسلامی را آسیب رسانند. ملت ما تا پای جان در خدمت به اسلام حاضر و در پشتیبانی از نهادهای اسلامی مصمم هستند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور اسلامی ایران را خواستارم. والسلام علیکم ورحمته اللله.

روح الله الموسوی الخمینی
۲۵ مرداد ۵۹

کرمانشاه - خبرگزاری پارس - روز گذشته دکتر ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری در پاسخ به پیام امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیامی فرستادند. این پیام که ساعت شازده و پانزده دقیقه در روز در اختیار خبرنگار اعزامی خبرگزاری پارس کرمانشاه قرار گرفت باین شرح است:

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی پدر و رهبر عزیزم، پیام تسلیت و آرزوی خیر و صلوات بخشد. این جانب عنایت و حمایت امام امت را همواره نشانه عنایت الهی میدانم و میدانم که از خداوند بزرگ که قدرت و فضل خود را در این مناسبت به بهترین وجه برای بنده عیان فرموده بویست خدمت بدین خلق او را طلب میکنم و بیس دازم از راهمائی و جانبهای شما برخوردار خواهم بود.

عمر و عزت امام مستدام باد انشاء الله
ابوالحسن بنی صدر ۵۹/۵/۲۵

مامی خواهیم مسئله امنیتی غرب کشور را یک دفعه برای همیشه حل و تمام کنیم - رئیس جمهور

انقلابی کسی است که قانون انقلاب را اجرا کند و کسیکه اجرا نکند انقلابی نیست

تهران - خبرگزاری پارس - دیبب دکتر ابوالحسن بنی صدر رئیس - جمهوری بهنگام بازگشت از مناطق غرب در گفتگویی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس در داخل هواپیمای هدف از این سفر و نتیجه آن و تشکیل ستاد هماهنگی عملیات غرب کشور و راه حل مسائل و مشکلات ملکنی را شرح کرد رئیس جمهوری در پاسخ این سؤال که آیا ممکن است هدف و سابع از این سفر را بفرمائید و آیا در فاصله این سفر با سفری که جسدی قبل به مناطق غرب کردید چه پیشرفت ها و کمبودهایی مشاهده کردید گفت این سفر بیشتر به لحاظ مسائل امنیتی غرب کشور بود چون ما میخواهیم این مسئله را یک دفعه برای همیشه حل و تمام کنیم مدنی بین ما یک ستاد هماهنگی در صفحه ۲

بنیاد مسکن در تهران زمین واگذار نمیکند

در صفحه ۹

طی سه روز بیش از ۳۰۰ تن در سان سالوادور کشته شدند

در صفحه ۴

امکان انتقال سپرده های وامخواه از تهران به شهرستانها

سپرده وامخواه افرادی که از دریافت وام منصرف شوند بصورت سپرده آزاد محسوب میشود

در جلسه دیر و زمجلس:

رسیدگی در مورد نامه اعضای کنگره آمریکای به کمیسیون خارج مجلس از جاع شد

با صورت کمیسیون امور خارجه داده بود. همچنین در این جلسه استغای حجت الاسلام شجاعی نماینده زنجان طرح شد و با اکثریت آراء مجلس استرداد استغای از جانب نماینده زنجان را مورد تصویب قرار داد اعتبارنامه آقای فرهنگ پورین فرار بود در جلسه در روز مطرح شد لیکن بدلیل عدم آمادگی ایشان طرح پرونده به وقت دیگری موکول گردید و جلسه در ساعت ۱۳/۱۵ خاتمه یافت. در صفحه ۳

۸ تن از خوانین بختیاری در رابطه با کودتای اخیر دستگیر شدند

شهرکرد - موسوی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی استان چهارمحال و بختیاری اطلاع داد که در رابطه با کودتای ننگین آمریکا - اسرائیلی اخیر هشت نفر از خوانین بانفوذ بختیاری دستگیر و هم اکنون در سیاه پاسداران بروجن بازداشت و ممنوع الملاقات هستند و بازجویی از آنها ادامه دارد.

وقی همچنین اظهار داشت تحقیقات لازم در این زمینه در جریان است.

تجلیل از شهدای پاوه

بمنظور تحلیل و تقدیر از مقام والای شهدای گلگون گش سال گذشته پاوه، پنجمین این هفته مراسم ویژه ای با شرکت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مقامات کوری و لشکری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و با حضور خانواده های شهدا در مدرسه عالی شهید مطهری برگزار میگردد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن اعلام این مطلب یادآور شد در این مراسم به احتمالاً با حضور ریاست جمهوری و فرمانده کل قوا برگزار میگردد. مراسم سخنرانی، نمایشنامه و اجرای سرودهای انقلابی انجام میگردد. امید است عموم خواهران و برادران متعهد و مسلمان با شرکت در این مراسم حاطره پاسداران عزیز و بخون حقه را گرامی دارند.

اگر قرار باشد خود ما از ابتدا قانون اساسی را اجرا نکنیم طبیعتاً بعد دیگران اجرا خواهند کرد

از نظر مسائل امنیتی ستاد هماهنگی مقبول افتاده و همه نیر وها (ی مسلح) پذیرفته اند و بان امید بسته اند



ستونیار دوم خلیان عباس مالیر

خلبانان هلیکوپتر حامل رئیس جمهور از سانحه سقوط سخن می گویند



سروان محمد رضا اشتریه

حادثه سقوط هلی کوپتر حامل رئیس جمهوری در اطراف اسلام آباد در کرمانشاهان که بحمدالله بخیر گذشت و یکبار دیگر لطف خداوندی شامل حال این امت مسلمان شده توجه همه ملت ایران را بخود جلب نمود، خبرنگار اعزامی ما سعی کرد در جهت روشن شدن جزئیات هرچه بیشتر این سانحه با کسانی که در بطن حادثه بوده اند گفتگو کند. در همین رابطه صاحبها نسی با خلیان اول، خلیان دوم، مصطفی انتظار یون یکی از همراهان یکی از محافظین ریاست جمهوری بعمل آورد که در زیر از نظر خوانندگان میگردد.

و همراهان با انوسیل رهبیار نواریزی قرضش شدند. ما هم سوخت گیری کردیم، پس از مدتی در حدود نسیاعت مجدداً دستور داده شد که در فرقیه قرضش فرود آئیم. پس از مدتی شاید یک ربع ۲۰ دقیقه اطلاع یافتیم که ریاست جمهوری و همراهان در هنگ زاندری قرضش مستقر هستند و ما باید برای انتقال ایشان و همراهان از قرضش بیکرمانشاه به آن محل برویم. یکی از محافظین ریاست جمهوری بعمل آورد که در زیر از نظر خوانندگان میگردد.

ستونیار دوم خلیان عباس مالیر که در سمت خلیان یک با کمک سروان محمد رضا اشتریه و گروهیان روشن هدایت هلی کوپتر سانحه دیده حامل ریاست جمهوری و همراهان را به عهده داشت ۲۵ سال دارد و در حدود ۵ سال است که با هلی کوپتر پرواز میکند. وی که رسته اصلی اش خلیان است، با مهارت و حضور دهن در مرکز اعصابی که از خود نشان داد باعث جلوگیری از بروز حادثه بسیار ناگواری برای ملت مسلمان ایران گردید.

بعقیده ستونیار یکم خلیان ظاهر خالی با ۲۴ سال سابقه پرواز و جستن دیگر از همکاران با سابقه و ماهر ستونیار مالیر عمل او در طول عمر پرواز هلی کوپترها و پروازهای بسیار بوده است. وی که پس از مداوای سربانی و خوابیدن یک شب در بیمارستان جمعه ۵۹/۵/۲۴ آقای ریاست جمهوری و فرمانده نیروی زمینی جمهوری اسلامی و همراهان را از کرمانشاه به نوار مرزی قرضش جهت بازدید ببریم. از کرمانشاه که در ساعت ۵/۴۵ بلند شدیم ۴ فرزند طبع ۲ فرزند هلی کوپتر نفرین بعلاوه ۲ فرزند هلی کوپتر کبری که وظیفه قدرت چرخیدن ندارند. هلی کوپتر سه صدا داد و همبندر متوجه بودم که بر زمین خوردم و چیزی نفهمیدم.

در همین حالت متوجه شدم که هلی کوپتر حالت خودش را از دست داده است و پروانه قدرت چرخیدن ندارد. هلی کوپتر سه صدا داد و همبندر متوجه بودم که بر زمین خوردم و چیزی نفهمیدم. در صفحه ۲

رئیس جمهور در مراسم بزرگداشت شهدای پاوه:

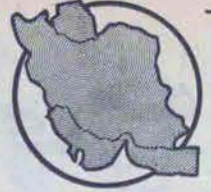
شما شهیدان زنده اید چون در این جهت پایداری کرده اید و در مقابل خود کامگی گروهها ایستادید

در صفحه ۱۱

بیم ها و امیدها... مصاحبه با آیت الله موسوی از دبلی استاد رضا اصفهانی

به رانندگان بیکار کامیون واگذار میشود

در صفحه ۹



استقبال گرم مردم از رئیس جمهور در بازگشت سلامت از سفر

تهنیت میگوئیم و به درگاه خداوند سبحان جل اسمه شکرگزاری میکنیم...

پس از زمین خوردن و اطلاع از کم و کیف ضربه، چک کردم ببینم برداری یا روخ خانهای نباشد...

تهنیت میگوئیم و به درگاه خداوند سبحان جل اسمه شکرگزاری میکنیم...

تهنیت میگوئیم و به درگاه خداوند سبحان جل اسمه شکرگزاری میکنیم...

خلبانان هلیکوپتر حامل ...

داشتم که حفظ کردیم و خوشحانه روستائیان آمدند و با کتک آنها و استقبال پر سروری...

سروان محمدرضا اشتریه خلبان ۲ هلیکوپتر حامل رئیس جمهوری در منطقه اسلام آباد...

در منطقه ای که با رئیس سران محمدرضا اشتریه خلبان ۲ هلیکوپتر حامل رئیس جمهوری در منطقه اسلام آباد...

زرتانور بید خود بطور...

انومانیک در خط فرار گرفته و برق هلیکوپتر را تا زمین میبرد...

زرتانور بید خود بطور انومانیک در خط فرار گرفته و برق هلیکوپتر را تا زمین میبرد...

زرتانور بید خود بطور انومانیک در خط فرار گرفته و برق هلیکوپتر را تا زمین میبرد...

زرتانور بید خود بطور انومانیک در خط فرار گرفته و برق هلیکوپتر را تا زمین میبرد...

دنباله سخنرانی رئیس جمهور در همدان

اگر آنچه که در قانون اساسی مقرر است در عمل رعایت نشود، اسباب وحدت و یکپارچگی مردم از بین می رود

رئیس جمهور در ادامه سخنان خود با تأکید بر حفظ و رعایت اخلاق اسلامی اظهار داشت تا این زمان من به حکم وظیفه ای که بنابر قانون و اخلاق اسلامی برعهده دارم و باید پاسدار وحدت...

هیچکس نباید به اسم نماینده شما برای ادارات نماینده بگذارد

دستگاههای اجرائی حق دخالت در امور قوه مقننه را ندارند

دکتر بنی صدر پس با تأکید بر اهمیت شکست بن بستها و پیش بردن جمهوری اسلامی و با اشاره به مشکلات شهردان گفت شکل شهرها مشکل همه شهروندان است و دلیل آنهم مشخص و روشن است...

مامیخو اهلیم مسئله امنیتی غرب کشور را یکدفعه حل و تمام کنیم

اگر آنچه که در قانون اساسی مقرر است در عمل رعایت نشود، اسباب وحدت و یکپارچگی مردم از بین می رود

وجود آورده بودیم و طبیعتا چون اولین تجربه بین ارتش و سپاه پاسداران و مجاهدان داوطلب و زاندازمی و حتی شهرتانی در مسائل شهری بود باید که مسائل آنرا و مشکلاتی که با آن روبرو است...

رئیس جمهوری افزود: اینطور مسائل امنیتی کشور ساده ها تنگی

مقبول افتاده و همه نیروها پذیرفته اند و به آن امید بستند. اشکالاتی از جهت تدارک کمبودها و واحدهای ارتش و سپاه و زاندازمی داشت که آنها را یادداشت کردیم و داخل اینها کمبودها را معین کردیم و بعد هم می بایستی می دیدیم اینها عملا باجه مقبوضاتی روبرو هستند تا پس از این وقتی گزارشها را میخوانیم هوایی نباشد باین دلیل به هرز و خوجگی و پاسگاههایی که با پاسگاههای عراقی روبرو بودند و هر روز مورد حمله واقع میشدند رفتیم و آنها را کم کردیم و امروز صبح هم مسائلی را که مانده بود مورد بحث قرار دادیم و حالا باید کوشش کنیم تا آن مسائل حل شود و این نقطه آماده عملیات بشود. این قسمت از عملیات انجام شده و هیئت آماده عمل هستند و امیدوارم که نتیجه مطلوب را بگیرند.

رئیس جمهوری افزود: اینطور مسائل امنیتی کشور ساده ها تنگی

مقبول افتاده و همه نیروها پذیرفته اند و به آن امید بستند. اشکالاتی از جهت تدارک کمبودها و واحدهای ارتش و سپاه و زاندازمی داشت که آنها را یادداشت کردیم و داخل اینها کمبودها را معین کردیم و بعد هم می بایستی می دیدیم اینها عملا باجه مقبوضاتی روبرو هستند تا پس از این وقتی گزارشها را میخوانیم هوایی نباشد باین دلیل به هرز و خوجگی و پاسگاههایی که با پاسگاههای عراقی روبرو بودند و هر روز مورد حمله واقع میشدند رفتیم و آنها را کم کردیم و امروز صبح هم مسائلی را که مانده بود مورد بحث قرار دادیم و حالا باید کوشش کنیم تا آن مسائل حل شود و این نقطه آماده عملیات بشود. این قسمت از عملیات انجام شده و هیئت آماده عمل هستند و امیدوارم که نتیجه مطلوب را بگیرند.

رئیس جمهوری افزود: اینطور مسائل امنیتی کشور ساده ها تنگی

مقبول افتاده و همه نیروها پذیرفته اند و به آن امید بستند. اشکالاتی از جهت تدارک کمبودها و واحدهای ارتش و سپاه و زاندازمی داشت که آنها را یادداشت کردیم و داخل اینها کمبودها را معین کردیم و بعد هم می بایستی می دیدیم اینها عملا باجه مقبوضاتی روبرو هستند تا پس از این وقتی گزارشها را میخوانیم هوایی نباشد باین دلیل به هرز و خوجگی و پاسگاههایی که با پاسگاههای عراقی روبرو بودند و هر روز مورد حمله واقع میشدند رفتیم و آنها را کم کردیم و امروز صبح هم مسائلی را که مانده بود مورد بحث قرار دادیم و حالا باید کوشش کنیم تا آن مسائل حل شود و این نقطه آماده عملیات بشود. این قسمت از عملیات انجام شده و هیئت آماده عمل هستند و امیدوارم که نتیجه مطلوب را بگیرند.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

توضیحات رئیس مجلس در رابطه بارفع خطر از رئیس جمهور

بیتزار ایراد نطقی قبل از دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در خصوص رفع خطر از رئیس جمهور توضیحاتی داد و گفت: «دیشب حادثه‌ای بوقوع پیوست و رئیس جمهوری ما از خطری بزرگ نجات یافت مجلس ضمن سپاس از خدای بزرگ و رتوف و مهربان که در جریان انقلاب و بعد از آن همیشه لطفش شامل حال مسلمانان بوده است این نجات یافتن را به فال نیک میگرد. رئیس مجلس افزود بار دیگر ما لطف خدا را شاهد هستیم و اینکه خداوند متعال روحیه ملت ما ضربه بخورد. این حادثه و حوادث مشابه با یادآور میشود که خود را در کف لطف و حمایت خدا ببینیم و با سپاسگزاری از خدای بزرگ وظایف انسانی و ملی خود را انجام دهیم.»

جهاد فکری

تختین سخنان پیش از دستور جلسه دیروز محمدباقر حسینی ناطق آزادی نماینده تهران بود وی با اشاره به ویژگیها و هدفهای انقلاب اسلامی ایران گفت با لاطاللات چندمضی کوردل و باوف هائی که بهم بافته اند هدف و حقیقت مکتب ما لوٹ نشود. ناطق افزود در زمینه تبلیغات که همان مفهوم جهاد اسلامی است متأسفانه تاکنون کوتاه آمده ایم و اگرچه این امر مهم از وظایف وزارت ارشاد ملی است پیشنهاد میکنیم که بنیاد جهاد فکری و فرهنگی اسلامی تاسیس شود و متفکران و دانشمندان که مشتاق و متعهد هستند. گروهی از این بنیاد بتواند رسالت اساسی خود را در زمینه جهاد فکری و فرهنگی انجام دهد و نگذارد همانطور مطرح است ما نخواهیم توانست به این شکل اسلام را حفظ کنیم و اگر قرار باشد وحدت حاکم باشد و ما با وحدت نخواهیم پیش برویم ما صدای آزادی قدس را میدهیم. جنبشهای آزادی بخش را به اینجا دعوت می کنیم بعد برای یک مسئله کوچک و کم اهمیت با هم به این شکل تاقی و تضاد بوجود می آوریم، چرا این اعمال بشود و من آن را بشما تکویم»

نامه سفرای کشورهای خارجی برای بررسی به کمیسیون امور خارجه مجلس

خواهشمند که معلم معرفی کنند و موضوع موجب شده که در گران تشنج بوجود بیاید، بجهائی که حتی معتقد به امام هستند حرفتان این است که ما چرا نباید بتوانیم در فرهنگ استخدام بشویم فقط بدلیل اینکه گرایش مطرح است به هیچ عنوان ضد هیچ حزبی نیستیم، حزبی که مثل حزب جمهوری است و معتقد که ضدیت حتمی با حزب انسان را خراب می کند، من نمی گویم اینگار، کار حزب خاصی است اما تاکید میکنم بخدا قسم ما داریم بدست خودمان بهترین نیروهایمان را از دست میدهم، بهترین بجهائی ما دارند از دست میروند، دارند دلسر می شوند هفته پیش جلوی دانشگاه بودم دوتا دختر را گرفته بودند به اتهام اینکه اعلامیه دستشان بود و چند هزار نفر جمعیت جمع شده بودند انعکاس این برخوردها بسیار نامطلوب بوده من به شما عرض می کنم که رشد گروههای غیرمذهبی در دبیرستانها بخصوص فوق العاده دارد زیاد میشود و تعداد بجهائی که معتقد به امام بودند و خط امام بودند با این برخوردها روز بروز دارند دلستر میشوند، روحیه تفریق های شکی، روحیه شکل گرایی و تعریف از امام شکل سخی و شکی که کاملاً غیر عمیق است دارد رواج می یابد، اگر قرار باشد سیکه فقط تفکر خودی را معیار بگیرد این عین عکس العمل در برابر جریانهای است که برادران شاهد بودند که گروهها و بعضی تشکیلاتها، من ضد گروه نیستیم بخصوص گروههای اسلامی اما من می بینم که درست عین همان دگماتسم و تحجر و فرسینی که در گروهها محکوم بود و اینکه فقط اسلام خودشان را قبول داشتند و احدی را به مسلمان قبول نداشتند متأسفانه در بعضی از برخوردها دارد حاکم میشود، شاید باور نکنید اما من شاهد می بینم که چقدر این برخوردها در ذهن بجهائی بخصوص جوانهای ما تاثیر منفی گذاشته اگر برای ما اسلام مطرح است ما نخواهیم توانست به این شکل اسلام را حفظ کنیم و اگر قرار باشد وحدت حاکم باشد و ما با وحدت نخواهیم پیش برویم ما صدای آزادی قدس را میدهیم. جنبشهای آزادی بخش را به اینجا دعوت می کنیم بعد برای یک مسئله کوچک و کم اهمیت با هم به این شکل تاقی و تضاد بوجود می آوریم، چرا این اعمال بشود و من آن را بشما تکویم»

وعاظ السلاطین مانع انقلابند

محسن مجتهد شبستری نماینده تهران ناطق دیگر بود که در ابتدا از مبارزات دلیرانه دانشجویان انجمن اسلامی مقیم انگلستان که به پشتیبانی از دانشجویان مقیم آمریکا تصمن کرده و بدست پلیس فاشیست انگلیس دستگیر شده اند اشاره کرد و از آنان تجلیل نمود و سپس گفت این دانشجویان با استقامت دلیرانه خود عملاً اسلام را به تمام جهان معرفی میکنند، ناطق اظهار امیدواری کرد که این دانشجویان زودتر از زندان خلاص شوند وی از مردم متحصن تهران در برابر سفارت انگلیس تقدیر کرد و پیشنهاد نمود که نمایندگان برای اظهار همبستگی با آنها در فرستادهای مختلف آشنا بروند. محسن مجتهد شبستری سپس به مسائلی از ایران و آمریکا برعلیه انقلاب اسلامی ایران و تمام اشاره کرد و گفت: آمریکا روحانی نهادهای درباری کشورهای مصر، مراکش و تونس را مجبور نموده که برعلیه انقلاب اسلامی ایران و امام مطلب بنویسند. ناطق به سخنان مفتی اعظم مصر اشاره کرد و گفت: از این فردی که چندین قبل با ناطق انصاری خائن از مناسبت بگین در فرودگاه استقبال کرد و بعنوان شکرگزاری برای قرارداد کمبوندین نامزشرکی خواند بعد نیست که مطلب امام را این صورت تخریف کند باطنی که فرمودند وعظ السلاطین مانع بزرگی در راه انقلاب ما هستند. ناطق در پایان به انتقاد کمیسیونهای مجلس اشاره کرده و تسریع در شروع کار کمیسیونها را خواستار شد.

توضیحات دکتر باهنر

معاون وزارت آموزش و پرورش در پاسخ سؤال آقای محمدی درباره انتخاب معلم توضیح داد و گفت: ساله گزینش معلمین یک ضرورت انقلاب است. زیرا با توجه به پرسش پرسش که حدود ۵۴۰ هزار نفر است و تعلیم و تربیت ده میلیون دانش آموزان ما بدست این پرسنل است نقش مهم و حساس معلمین روشن خواهد شد. دکتر باهنر افزود: ما نمیتوانیم بدون دقت و تأمل هر کسی را که خواست بعنوان معلم انتخاب کنیم امسال بین ۲۰ تا ۴۰ هزار معلم را باید شناسایی و انتخاب کنیم برای این منظور کمیسیونهای صاحبه کننده برای شناسایی افراد دربین از ۱۰۰ نقطه از کشور از داوطلبان آزمایش خواهند کرد.

محمد جواد باهنر: آیا مجاز هستیم اعمال درستی انقلاب وقتی میخواهیم معلم استخدام کنیم بازم بی درو دروازه هر که را شد انتخاب کنیم؟

در این اسحاق در زمینه شناسایی داوطلب از نظر خانوادگی و سوابق و سؤالاتی میشود و برپوش از داوطلب در حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ سؤال در زمینههای مختلف خواهد شد و منظور از این آزمایش آن است که افراد صالح و مومن به انقلاب و معتقد به انقلاب به کسوت معلمی درآیند و حتی المقصود از اشتباهات گذشته جلوگیری شود و این بخاطر رسالت و مسئولیتی است که ما در زمینه گزینش معلم در برابر انقلاب داریم. پس از آن درباره ماده ۶۱ آیین نامه داخلی که ناظر بر چگونگی نطقهای پیش از دستور و مدت آن میباشد بحث و گفتگو بعمل آمد و در نتیجه تصویب شد که هر نماینده حداقل یکبار فرصت صحبت پیش از دستور دارد و هیئت رئیسه نمی تواند آن را تقلیل دهد.

فعال شدن مجلس

متعاقب نطقهای قبل از دستور، مجلس وارد دستور کار خود شد، و بر اساس آن پرونده انتخاباتی جعفر توکلی گلپایگانی، که قرار بود مطرح شود، بدلیل عدم حضور نامبرده به تعویق افتاد. همچنین بنا بر اظهار رئیس مجلس رسیدگی به اعتبارنامه فرزند پسر هم به سرانجام رسید. این امر در روز شنبه ۲۵ مرداد موکول گردید. پس از آن هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که اعضای کمیسیون تعیین شده اند و فردا (امروز) پس از جلسه علنی باید گزارش انتخاب رئیس و نایب رئیس کمیسیونها را به هیئت رئیسه بدهند، و بدین صورت مجلس با انتخاب اعضای کمیسیونها فعال میشود. سعی شود هر کمیسیون با مسئولین وزارتخانه مربوطه تماس بگیرد، و نتان دهد که مجلس انقلابی عمل کند. ما نباید به امید لوایح دولت بنشینیم، سعی کنید لوایح و طرحهای خوبی به خود مجلس ارائه دهید، شما حق دارید از کارشناسهای بیرون استفاده کنید و آنها را به کمیسیون بیاورید.

طرح نامه سفرای خارجی در رابطه با گر و گانها

همچنین در دستور کار امروز گزارش ملاقات با سفرای کشورهای اسپانیا، سوئد، نروژ، فنلاند و سوئیس و نامه دو نفر دیگر از اعضای کنگره آمریکا که جدیداً فرستاده اند در مجلس مطرح خواهد شد.

طرح استرداد استغفای نماینده اول زنجان

آخرین دستور کار دیروز مجلس طرح استرداد استغفانه حجت الاسلام شجاعی نماینده اول مردم زنجان بود. در این رابطه رئیس مجلس اظهار داشت: آقای شجاعی نامهای مبنی بر استغفای خود به امام نوشته اند مبنی بر اینکه میخواهم به مجلس برگردم، رونوشت این نامه هم به مجلس بوده است. طرح استغفای نماینده اول زنجان تنی چند از نمایندگان پیروان پذیرش و یا عدم پذیرش استغفای نامبرده بحث کردند از جمله: دکتر آیت: «اولاً» نامه باید خطاب به مجلس باشد، ثانیاً» دو هفته از زمان حق پی گرفتن استغفا گذشته است ثالثاً» بفرز اگر استغفای ایشان قبول شد به استناد ماده ۷۷ آیین نامه داخلی بدلیل اهانت به مجلس باید توبیخ شوند. رشیدیان: «قبلاً» یادداشتی در این باره فرستادم. مطالبی که میخواستم عرض کنم آقای آیت گفتند: «اولاً» نامه باید خطاب به رئیس مجلس باشد ثانیاً» ایشان زبکانه نامه ای به امام نوشتند، و دو مرتبه بعد از آن اهانتهای مکرر میخواستند به مجلس بیاورند، ایشان باید اتهامات وارده را ثابت کنند بعد مسئله توبیخ مطرح شود. صابغانی: «اخطار آیین نامه ای، آقای آیت به استناد چه چیزی این حرفها را میزنند؟ در ماده ۱۷۵ هیچ نوشته که استرداد استغفانه باید از طریق رئیس مجلس باشد. حائری زاده: «بسیار صحت که آقای مهندس گفتند، رونوشت داده شده کار را انجام میدهند اگر نماینده ای به مجلس یا رئیس جمهور توهین کند فرق نمی کند، بحث اینها دوباره موضوع را کشدار میکند. این موضع گیری که از طرف آقایان آیت و رشیدیان میشود موضوع را کشدار میکند. اعظم طالقانی: «شمار مرتب استغفا قائل میشوید. محمدی نماینده گرگان: «اولاً» به شما آقای هاشمی توضیحاتی که در مورد آقای شجاعی داشتید اعتراض دارم. یک نماینده وقتی استغفا می دهد حق دارد بگوید چرا؟ اگر قرار باشد توبیخ استغفا بصورت تنه بیده شد باید پس مواظبت نماینده به معنای دارد؟ یک نماینده حق دارد حرفش را بزند؟ آیا این بی احترامی است؟ حالا که میخواهد برگردد این بی احترامی به مجلس است؟ چرا باید اینطور برخورد کنیم؟ رئیس مجلس: «خلاف انتظار نیست که شما اعتراض کنید، من توضیح دادم که نماینده ای که بگوید مجدداً به خط امام نیست - حالا مگر مجلس عوض شده است کمبخواهد برگردد. محمدی: من هم به این حرف شما اعتراض دارم.»

زیرا اولاً» طرف شما در آنجا یک عده هانشجو هستند که آمده اند، در آنجا درس بخوانند در حالیکه طرف ما یک عده جاسوس هستند که غیاز جاسوسی در کارهای کشور ما در توطئه نیز دخالت کرده اند چطور می خواهید شرایط مسأوی بوجود آورید. ثانیاً» در این جا پلیس ما اینها را بازداشت کرده و نگهداشتند در حالیکه در آنجا ملت و مقامات رسمی این شرایط را کرده اند این جا ملت انقلابی ما که بعد از انقلاب در کشور انقلابی عمل میکنند هستند و ارگانهای دولتی ما رسماً» دخالتی نداشتند البته بعد ما تأیید کردیم که ملت این کار را کرده ما تابع ملت هستیم و دانشجویان ماسفلم از نام ارگانهای دولتی عمل میکنند ثالثاً» جاسوسان را در چلی که بودند و در خانشان با نهایت خوش رفتاری نگهداشتند در حالیکه ما قبلی دیدیم که شما چه جنایاتی با جوانان ما کردید دستهای بجهائیمارها را زنجیر بسته بودید، آنها را تکت زدید، و سوری دستهای ما را کشیدید، آب دهان بروی صورتشان ریختید و این همه بد رفتاری و شرارتی که شما کردید ما این جا نسبت به جاسوسهای شما نکردیم و این دو جریان قابل مقایسه نیست رئیس مجلس افزود نکته مهمتر اینکه یک ملت ظالمی که سی سال گرفتار شرارت شما بود و تمام جنبشهای آن رزم پهلوی کرد ملت ما از شما شرت می بیند و این ملت به حق خشکی عمیق را چنانی نشان داده است و شما یک دولت ظالمی که این همه جنایت کرده اید این چنین گناهی انجام دهید چطور یک ملت ظالمی ستندیده استنار شدای را با یک ملت با دولت استنارگر ظالمی که باید جواب آن همه جنایت را بدهد این مقایسه اصلاً» صحیح نیست شما هنوز هم دارید توطئه میکنید و توطئه شما دیروز کشف شده است و ما گزارش داریم که سازمان سیا اخیراً» دست اندازگار توطئه دیگری است که توطئه خواهد شد رئیس مجلس سپس به نمایندگان گفت صحبتها بر روی این صفت شده که در اختیارتان قرار گرفت مطلب دیگر اینکه ما به اطلاع دادند که سفیر اسپانیا و جمعی دیگر از سفرا بعنوان تریک به ریاست مجلس می خواهند بیایند که چکیده گزارش آنرا قبلاً» شنیدید.

مجلس شورای اسلامی در این جلسه با تصویب طرح استرداد استغفانه حجت الاسلام شجاعی نماینده اول مردم زنجان موافقت کرد. در این رابطه رئیس مجلس اظهار داشت: آقای شجاعی نامهای مبنی بر استغفای خود به امام نوشته اند مبنی بر اینکه میخواهم به مجلس برگردم، رونوشت این نامه هم به مجلس بوده است. طرح استغفای نماینده اول زنجان تنی چند از نمایندگان پیروان پذیرش و یا عدم پذیرش استغفای نامبرده بحث کردند از جمله: دکتر آیت: «اولاً» نامه باید خطاب به مجلس باشد، ثانیاً» دو هفته از زمان حق پی گرفتن استغفا گذشته است ثالثاً» بفرز اگر استغفای ایشان قبول شد به استناد ماده ۷۷ آیین نامه داخلی بدلیل اهانت به مجلس باید توبیخ شوند. رشیدیان: «قبلاً» یادداشتی در این باره فرستادم. مطالبی که میخواستم عرض کنم آقای آیت گفتند: «اولاً» نامه باید خطاب به رئیس مجلس باشد ثانیاً» ایشان زبکانه نامه ای به امام نوشتند، و دو مرتبه بعد از آن اهانتهای مکرر میخواستند به مجلس بیاورند، ایشان باید اتهامات وارده را ثابت کنند بعد مسئله توبیخ مطرح شود. صابغانی: «اخطار آیین نامه ای، آقای آیت به استناد چه چیزی این حرفها را میزنند؟ در ماده ۱۷۵ هیچ نوشته که استرداد استغفانه باید از طریق رئیس مجلس باشد. حائری زاده: «بسیار صحت که آقای مهندس گفتند، رونوشت داده شده کار را انجام میدهند اگر نماینده ای به مجلس یا رئیس جمهور توهین کند فرق نمی کند، بحث اینها دوباره موضوع را کشدار میکند. این موضع گیری که از طرف آقایان آیت و رشیدیان میشود موضوع را کشدار میکند. اعظم طالقانی: «شمار مرتب استغفا قائل میشوید. محمدی نماینده گرگان: «اولاً» به شما آقای هاشمی توضیحاتی که در مورد آقای شجاعی داشتید اعتراض دارم. یک نماینده وقتی استغفا می دهد حق دارد بگوید چرا؟ اگر قرار باشد توبیخ استغفا بصورت تنه بیده شد باید پس مواظبت نماینده به معنای دارد؟ یک نماینده حق دارد حرفش را بزند؟ آیا این بی احترامی است؟ حالا که میخواهد برگردد این بی احترامی به مجلس است؟ چرا باید اینطور برخورد کنیم؟ رئیس مجلس: «خلاف انتظار نیست که شما اعتراض کنید، من توضیح دادم که نماینده ای که بگوید مجدداً به خط امام نیست - حالا مگر مجلس عوض شده است کمبخواهد برگردد. محمدی: من هم به این حرف شما اعتراض دارم.»

دلایل بازگشت

رجائیان: استغفای آقای شجاعی جدی بود، برگشت ایشان سه علت عمده داشت: «اولاً» ۵۰ نفر از نمایندگان خواستار بازگشت ایشان شدند، ثانیاً» فرمایشات امام است و ثالثاً» ایشان نماینده اول مردم زنجان هستند و مردم مصراً» خواستار مراجعت ایشان به مجلس شده اند. آقای شجاعی در زیر نامه ای که به امام نوشته اند، ذکر کرده اند که ریاست مجلس شورای اسلامی: «پندرسیده استغفای خود را پس میگیرم. حال اگر بالای نامه را قبلی کنید از نظر من هیچگونه استغفای نگرداند. در ضمن بعضی از برادران مسئله توهین را مطرح کرده اند ایشان حاضرند جواب دهند. الویری: آقای شجاعی استغفانه را به تلفن جی داده اند حتی به هیئت رئیسه ندادند و در ثانی جملاتی که آقای رجائیان میگویند در آن نیست. راهمی: نحوه طرح استغفانه را که قانون مبین نکرده است؟ ساسی: تذکر آیین نامه ای، آنچه واقعیت دارد اینست که استغفانه به دفتر داده شد و امضا هم کرده اند و تاریخ هم زده اند. اگر اشتباهی بوده باید در همان تاریخ هیچدمم یا نوزدهم در مجلس مطرح می شد و به ایشان اطلاع داده میشد. رئیس مجلس: آقای ساسی که خود را اصولی میدانند ایمن چنین تذکر آیین نامه ای میدهند!

متن نامه سفیران

در این هنگام متن نامه سفیران باین شرح خوانده شد جناب حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی. عالی جناب: امضاء کنندگان زیر نمایندگان کشورهای نامبرده در زیر میباشیم. استرالیا- اتریش- ایرلند- فنلاند- یونان- سوئد- نروژ- سوئیس- اسپانیا و در اجرای دستورات دولتهای متبوع خود جساترا» حضور عالی اعلام میداریم که بعنوان نمایندگان کشورهای این احترام به قوانین بین المللی و صل مسالمت آمیز منقشات از نظر آنان حائز کمال اهمیت میباشد. حال آن جناب مخاطب می نامیم دولتهای متبوع ما گرامی عمیق خود را از ادامه بازداشت گروگانهای سفارت و استقلال ایران و حق ملت ایران در تعیین آینده خود عمیقاً» احترام میگذرانیم و بر این همان لحظات اولیه بحران برای عقیده بودماند که بازداشت گروگانها نمایانگر نفس شدید قوانین بین المللی و موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی میگردد امضاء کنندگان زیر رسوای هیئتهای ساسی از مجلس شورای اسلامی مصراً» درخواست دارند که با در نظر گرفتن دلایل انسانی و حقوقی نسبت به خاتمه دادن به ادامه بازداشت گروگانها بدون تأخیر بیشتر اقدام عاجل مینول دارند ما همچنین مصراً» درخواست داریم که گروگانها بدون محاکمه آزاد گردند محاکمه گروگانها خود بطور آشکار دلیل جرمی بر نفسی قوانین بین المللی خواهد بود از فرصت استفاده نموده مراتب احترامات فائقه را نسبت به آن جناب تجدید می نامیم. اسامی امضاء کنندگان پس از قرائت متن سفیران رئیس مجلس گفت پس از بحث مفصلی در ملاقات با سفیران انجام شد که تکلیف آن در پاسخ به آنها این بود که قوانین بین المللی را که مطرح میکنند با اینکه یک طرفه تهیه شده و همیشه به نفع ابرقدرتها است ولی ما همین مقدار هم اگر واقفا» اجرا شود نفعهای ضیف میتواند پانهاگهی داشته باشند در همین مورد هم تخلف را آنها کردند و مخصوصاً» بیکه کردم باین که شما تابع لفظ نباشید و ببینید روح قانون را آمریکا تا چه اندازه در مورد ما خودتان شکسته است بعنوان نمونه اینها گفتیم که سفیر ایتالیا دیروز با من ملاقات داشت و من با او گفتیم که چرا تعدادی هلیکوپتر که پولش هم به شما پرداخت شده و آماده پرواز هم بوده نمی گذارید بباران بیایند سفیر ایتالیا گفت آمریکا نمی گذارد به آقایان سفیر گفت کمبشوری بزرگ ما تمدن قدیم چون ایتالیا با فشار آمریکا قرار دادش را با ما نقض میکند سپس از آنها خواستیم بجای فشار آوردن به ما با ما همراه شوند که دست آمریکا و ابرقدرتها را بشکنیم و شرایط جهانی بوجود آوریم که در فشار بر آنها باشد و نه بر ما. اولاً» قوانین بین المللی اصلاح شود و لاقول روح این قوانین بر ما رعایت شود و این چکیده صحبتهای ما بود.

تعیین رئیس مجلس حاصله

پس از سخنان رئیس مجلس حاصله از نمایندگان پیروان این مسئله تکراری دادند از جمله حجت الاسلام بزرگی نماینده مردم در اظهار داشت: هر وقت قرار شد بطور کلی راجع به مسأله گروگانها بحث کنیم جواب نامه ما هم خواهیم داد. آقا حجت نماینده همدان هم در این رابطه یادآور شد که بطرح ۱۵ نفر از نمایندگان پیروان محاکمه گروگانها ترتیب اثر ندهید تا دیگر جزرت مطرح کردن این مسائل را نداشته باشند. بدین صورت رئیس مجلس در باره اینکه دیروز در این مسائل اجازه صحبت داده شود یا خیر رای گیری بعمل آورد که نتیجه منفی آن، مسئله به کمیسیون خارجه مجلس ارجاع شد تا در این کمیسیون مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و گزارش آن در مجلس مطرح شود تا با طرح گزارش کمیسیون خارجه مجلس در باره آن تصمیم بگیرد.

در حاشیه مجلس

یک بام و دو هوا داخلی مجلس دیروز مجلس، هنگام بحث پیرامون پذیرش یا عدم پذیرش استرداد استغفانه حجت الاسلام شجاعی نماینده اول مردم زنجان آقای آیت ضمن مخالفت با بازگشت نامبرده به مجلس اظهار داشتند: «اولاً» متن نامه استرداد استغفا باید خطاب به مجلس باشد و اینها رونوشت نامه ای را که به امام نوشته اند به مجلس داده اند. ثانیاً» بعد از گذشت دو هفته از ماجرای استغفا دیگر آقای شجاعی حق استرداد آنرا ندارند و باید از نظر قضائی تکلیف توهین را از نظر قضائی تکلیف واردند! و اما ماده ۷۷ آیین نامه داخلی مجلس:

طرح استرداد استغفای نماینده اول زنجان

آخرین دستور کار دیروز مجلس طرح استرداد استغفانه حجت الاسلام شجاعی نماینده اول مردم زنجان بود. در این رابطه رئیس مجلس اظهار داشت: آقای شجاعی نامهای مبنی بر استغفای خود به امام نوشته اند مبنی بر اینکه میخواهم به مجلس برگردم، رونوشت این نامه هم به مجلس بوده است. طرح استغفای نماینده اول زنجان تنی چند از نمایندگان پیروان پذیرش و یا عدم پذیرش استغفای نامبرده بحث کردند از جمله: دکتر آیت: «اولاً» نامه باید خطاب به مجلس باشد، ثانیاً» دو هفته از زمان حق پی گرفتن استغفا گذشته است ثالثاً» بفرز اگر استغفای ایشان قبول شد به استناد ماده ۷۷ آیین نامه داخلی بدلیل اهانت به مجلس باید توبیخ شوند. رشیدیان: «قبلاً» یادداشتی در این باره فرستادم. مطالبی که میخواستم عرض کنم آقای آیت گفتند: «اولاً» نامه باید خطاب به رئیس مجلس باشد ثانیاً» ایشان زبکانه نامه ای به امام نوشتند، و دو مرتبه بعد از آن اهانتهای مکرر میخواستند به مجلس بیاورند، ایشان باید اتهامات وارده را ثابت کنند بعد مسئله توبیخ مطرح شود. صابغانی: «اخطار آیین نامه ای، آقای آیت به استناد چه چیزی این حرفها را میزنند؟ در ماده ۱۷۵ هیچ نوشته که استرداد استغفانه باید از طریق رئیس مجلس باشد. حائری زاده: «بسیار صحت که آقای مهندس گفتند، رونوشت داده شده کار را انجام میدهند اگر نماینده ای به مجلس یا رئیس جمهور توهین کند فرق نمی کند، بحث اینها دوباره موضوع را کشدار میکند. این موضع گیری که از طرف آقایان آیت و رشیدیان میشود موضوع را کشدار میکند. اعظم طالقانی: «شمار مرتب استغفا قائل میشوید. محمدی نماینده گرگان: «اولاً» به شما آقای هاشمی توضیحاتی که در مورد آقای شجاعی داشتید اعتراض دارم. یک نماینده وقتی استغفا می دهد حق دارد بگوید چرا؟ اگر قرار باشد توبیخ استغفا بصورت تنه بیده شد باید پس مواظبت نماینده به معنای دارد؟ یک نماینده حق دارد حرفش را بزند؟ آیا این بی احترامی است؟ حالا که میخواهد برگردد این بی احترامی به مجلس است؟ چرا باید اینطور برخورد کنیم؟ رئیس مجلس: «خلاف انتظار نیست که شما اعتراض کنید، من توضیح دادم که نماینده ای که بگوید مجدداً به خط امام نیست - حالا مگر مجلس عوض شده است کمبخواهد برگردد. محمدی: من هم به این حرف شما اعتراض دارم.»

زیرا اولاً» طرف شما در آنجا یک عده هانشجو هستند که آمده اند، در آنجا درس بخوانند در حالیکه طرف ما یک عده جاسوس هستند که غیاز جاسوسی در کارهای کشور ما در توطئه نیز دخالت کرده اند چطور می خواهید شرایط مسأوی بوجود آورید. ثانیاً» در این جا پلیس ما اینها را بازداشت کرده و نگهداشتند در حالیکه در آنجا ملت و مقامات رسمی این شرایط را کرده اند این جا ملت انقلابی ما که بعد از انقلاب در کشور انقلابی عمل میکنند هستند و ارگانهای دولتی ما رسماً» دخالتی نداشتند البته بعد ما تأیید کردیم که ملت این کار را کرده ما تابع ملت هستیم و دانشجویان ماسفلم از نام ارگانهای دولتی عمل میکنند ثالثاً» جاسوسان را در چلی که بودند و در خانشان با نهایت خوش رفتاری نگهداشتند در حالیکه ما قبلی دیدیم که شما چه جنایاتی با جوانان ما کردید دستهای بجهائیمارها را زنجیر بسته بودید، آنها را تکت زدید، و سوری دستهای ما را کشیدید، آب دهان بروی صورتشان ریختید و این همه بد رفتاری و شرارتی که شما کردید ما این جا نسبت به جاسوسهای شما نکردیم و این دو جریان قابل مقایسه نیست رئیس مجلس افزود نکته مهمتر اینکه یک ملت ظالمی که سی سال گرفتار شرارت شما بود و تمام جنبشهای آن رزم پهلوی کرد ملت ما از شما شرت می بیند و این ملت به حق خشکی عمیق را چنانی نشان داده است و شما یک دولت ظالمی که این همه جنایت کرده اید این چنین گناهی انجام دهید چطور یک ملت ظالمی ستندیده استنار شدای را با یک ملت با دولت استنارگر ظالمی که باید جواب آن همه جنایت را بدهد این مقایسه اصلاً» صحیح نیست شما هنوز هم دارید توطئه میکنید و توطئه شما دیروز کشف شده است و ما گزارش داریم که سازمان سیا اخیراً» دست اندازگار توطئه دیگری است که توطئه خواهد شد رئیس مجلس سپس به نمایندگان گفت صحبتها بر روی این صفت شده که در اختیارتان قرار گرفت مطلب دیگر اینکه ما به اطلاع دادند که سفیر اسپانیا و جمعی دیگر از سفرا بعنوان تریک به ریاست مجلس می خواهند بیایند که چکیده گزارش آنرا قبلاً» شنیدید.

مجلس شورای اسلامی در این جلسه با تصویب طرح استرداد استغفانه حجت الاسلام شجاعی نماینده اول مردم زنجان موافقت کرد. در این رابطه رئیس مجلس اظهار داشت: آقای شجاعی نامهای مبنی بر استغفای خود به امام نوشته اند مبنی بر اینکه میخواهم به مجلس برگردم، رونوشت این نامه هم به مجلس بوده است. طرح استغفای نماینده اول زنجان تنی چند از نمایندگان پیروان پذیرش و یا عدم پذیرش استغفای نامبرده بحث کردند از جمله: دکتر آیت: «اولاً» نامه باید خطاب به مجلس باشد، ثانیاً» دو هفته از زمان حق پی گرفتن استغفا گذشته است ثالثاً» بفرز اگر استغفای ایشان قبول شد به استناد ماده ۷۷ آیین نامه داخلی بدلیل اهانت به مجلس باید توبیخ شوند. رشیدیان: «قبلاً» یادداشتی در این باره فرستادم. مطالبی که میخواستم عرض کنم آقای آیت گفتند: «اولاً» نامه باید خطاب به رئیس مجلس باشد ثانیاً» ایشان زبکانه نامه ای به امام نوشتند، و دو مرتبه بعد از آن اهانتهای مکرر میخواستند به مجلس بیاورند، ایشان باید اتهامات وارده را ثابت کنند بعد مسئله توبیخ مطرح شود. صابغانی: «اخطار آیین نامه ای، آقای آیت به استناد چه چیزی این حرفها را میزنند؟ در ماده ۱۷۵ هیچ نوشته که استرداد استغفانه باید از طریق رئیس مجلس باشد. حائری زاده: «بسیار صحت که آقای مهندس گفتند، رونوشت داده شده کار را انجام میدهند اگر نماینده ای به مجلس یا رئیس جمهور توهین کند فرق نمی کند، بحث اینها دوباره موضوع را کشدار میکند. این موضع گیری که از طرف آقایان آیت و رشیدیان میشود موضوع را کشدار میکند. اعظم طالقانی: «شمار مرتب استغفا قائل میشوید. محمدی نماینده گرگان: «اولاً» به شما آقای هاشمی توضیحاتی که در مورد آقای شجاعی داشتید اعتراض دارم. یک نماینده وقتی استغفا می دهد حق دارد بگوید چرا؟ اگر قرار باشد توبیخ استغفا بصورت تنه بیده شد باید پس مواظبت نماینده به معنای دارد؟ یک نماینده حق دارد حرفش را بزند؟ آیا این بی احترامی است؟ حالا که میخواهد برگردد این بی احترامی به مجلس است؟ چرا باید اینطور برخورد کنیم؟ رئیس مجلس: «خلاف انتظار نیست که شما اعتراض کنید، من توضیح دادم که نماینده ای که بگوید مجدداً به خط امام نیست - حالا مگر مجلس عوض شده است کمبخواهد برگردد. محمدی: من هم به این حرف شما اعتراض دارم.»

دلایل بازگشت

رجائیان: استغفای آقای شجاعی جدی بود، برگشت ایشان سه علت عمده داشت: «اولاً» ۵۰ نفر از نمایندگان خواستار بازگشت ایشان شدند، ثانیاً» فرمایشات امام است و ثالثاً» ایشان نماینده اول مردم زنجان هستند و مردم مصراً» خواستار مراجعت ایشان به مجلس شده اند. آقای شجاعی در زیر نامه ای که به امام نوشته اند، ذکر کرده اند که ریاست مجلس شورای اسلامی: «پندرسیده استغفای خود را پس میگیرم. حال اگر بالای نامه را قبلی کنید از نظر من هیچگونه استغفای نگرداند. در ضمن بعضی از برادران مسئله توهین را مطرح کرده اند ایشان حاضرند جواب دهند. الویری: آقای شجاعی استغفانه را به تلفن جی داده اند حتی به هیئت رئیسه ندادند و در ثانی جملاتی که آقای رجائیان میگویند در آن نیست. راهمی: نحوه طرح استغفانه را که قانون مبین نکرده است؟ ساسی: تذکر آیین نامه ای، آنچه واقعیت دارد اینست که استغفانه به دفتر داده شد و امضا هم کرده اند و تاریخ هم زده اند. اگر اشتباهی بوده باید در همان تاریخ هیچدمم یا نوزدهم در مجلس مطرح می شد و به ایشان اطلاع داده میشد. رئیس مجلس: آقای ساسی که خود را اصولی میدانند ایمن چنین تذکر آیین نامه ای میدهند!

متن نامه سفیران

در این هنگام متن نامه سفیران باین شرح خوانده شد جناب حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی. عالی جناب: امضاء کنندگان زیر نمایندگان کشورهای نامبرده در زیر میباشیم. استرالیا- اتریش- ایرلند- فنلاند- یونان- سوئد- نروژ- سوئیس- اسپانیا و در اجرای دستورات دولتهای متبوع خود جساترا» حضور عالی اعلام میداریم که بعنوان نمایندگان کشورهای این احترام به قوانین بین المللی و صل مسالمت آمیز منقشات از نظر آنان حائز کمال اهمیت میباشد. حال آن جناب مخاطب می نامیم دولتهای متبوع ما گرامی عمیق خود را از ادامه بازداشت گروگانهای سفارت و استقلال ایران و حق ملت ایران در تعیین آینده خود عمیقاً» احترام میگذرانیم و بر این همان لحظات اولیه بحران برای عقیده بودماند که بازداشت گروگانها نمایانگر نفس شدید قوانین بین المللی و موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی میگردد امضاء کنندگان زیر رسوای هیئتهای ساسی از مجلس شورای اسلامی مصراً» درخواست دارند که با در نظر گرفتن دلایل انسانی و حقوقی نسبت به خاتمه دادن به ادامه بازداشت گروگانها بدون تأخیر بیشتر اقدام عاجل مینول دارند ما همچنین مصراً» درخواست داریم که گروگانها بدون محاکمه آزاد گردند محاکمه گروگانها خود بطور آشکار دلیل جرمی بر نفسی قوانین بین المللی خواهد بود از فرصت استفاده نموده مراتب احترامات فائقه را نسبت به آن جناب تجدید می نامیم. اسامی امضاء کنندگان پس از قرائت متن سفیران رئیس مجلس گفت پس از بحث مفصلی در ملاقات با سفیران انجام شد که تکلیف آن در پاسخ به آنها این بود که قوانین بین المللی را که مطرح میکنند با اینکه یک طرفه تهیه شده و همیشه به نفع ابرقدرتها است ولی ما همین مقدار هم اگر واقفا» اجرا شود نفعهای ضیف میتواند پانهاگهی داشته باشند در همین مورد هم تخلف را آنها کردند و مخصوصاً» بیکه کردم باین که شما تابع لفظ نباشید و ببینید روح قانون را آمریکا تا چه اندازه در مورد ما خودتان شکسته است بعنوان نمونه اینها گفتیم که سفیر ایتالیا دیروز با من ملاقات داشت و من با او گفتیم که چرا تعدادی هلیکوپتر که پولش هم به شما پرداخت شده و آماده پرواز هم بوده نمی گذارید بباران بیایند سفیر ایتالیا گفت آمریکا نمی گذارد به آقایان سفیر گفت کمبشوری بزرگ ما تمدن قدیم چون ایتالیا با فشار آمریکا قرار دادش را با ما نقض میکند سپس از آنها خواستیم بجای فشار آوردن به ما با ما همراه شوند که دست آمریکا و ابرقدرتها را بشکنیم و شرایط جهانی بوجود آوریم که در فشار بر آنها باشد و نه بر ما. اولاً» قوانین بین المللی اصلاح شود و لاقول روح این قوانین بر ما رعایت شود و این چکیده صحبتهای ما بود.

تعیین رئیس مجلس حاصله

پس از سخنان رئیس مجلس حاصله از نمایندگان پیروان این مسئله تکراری دادند از جمله حجت الاسلام بزرگی نماینده مردم در اظهار داشت: هر وقت قرار شد بطور کلی راجع به مسأله گروگانها بحث کنیم جواب نامه ما هم خواهیم داد. آقا حجت نماینده همدان هم در این رابطه یادآور شد که بطرح ۱۵ نفر از نمایندگان پیروان محاکمه گروگانها ترتیب اثر ندهید تا دیگر جزرت مطرح کردن این مسائل را نداشته باشند. بدین صورت رئیس مجلس در باره اینکه دیروز در این مسائل اجازه صحبت داده شود یا خیر رای گیری بعمل آورد که نتیجه منفی آن، مسئله به کمیسیون خارجه مجلس ارجاع شد تا در این کمیسیون مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و گزارش آن در مجلس مطرح شود تا با طرح گزارش کمیسیون خارجه مجلس در باره آن تصمیم بگیرد.

در حاشیه مجلس

یک بام و دو هوا داخلی مجلس دیروز مجلس، هنگام بحث پیرامون پذیرش یا عدم پذیرش استرداد استغفانه حجت الاسلام شجاعی نماینده اول مردم زنجان آقای آیت ضمن مخالفت با بازگشت نامبرده به مجلس اظهار داشتند: «اولاً» متن نامه استرداد استغفا باید خطاب به مجلس باشد و اینها رونوشت نامه ای را که به امام نوشته اند به مجلس داده اند. ثانیاً» بعد از گذشت دو هفته از ماجرای استغفا دیگر آقای شجاعی حق استرداد آنرا ندارند و باید از نظر قضائی تکلیف توهین را از نظر قضائی تکلیف واردند! و اما ماده ۷۷ آیین نامه داخلی مجلس:



بنام خدا

انقلاب اسلامی آنچه را که در زیر میخوانید مطالبی است که برادری از روی دلسوزی و علاقه به مکتب و انقلاب اسلامی است...

بسم الله الرحمن الرحيم

نظر به مشاهده اختلافات، تفرقه‌ها، نفع طلبیها، گروه گرائیها، برخورد های غیر متولانه، و بسیاری چیزهای دیگر که متأسفانه در جامعه ما به چشم میخورد و بنا بر مسئولیتی که احساس می‌کنم، تصمیم گرفتم مطالبی را به همه مسلمانان کشور تذکر دهم.

از زمان پیدایش آدم بر روی زمین، خداوند برای هدایت و راهنمایی بشر پیامبرانی فرستاد. از زمان ابراهیم پیامبران کوشیدند تا همه بندها، طاغوتها و نظامهای طاغوتی حاکم بر جوامع بشری را نفی کنند و حکومت خدا را بر جهان تحقق بخشند.

آیا این کارها و این تلاشها با سادگی و راحتی انجام شده است؟ آیا پیامبر اسلام را برای بیان دعوتش و یارانش را برای پذیرفتن اسلام به انواع طرق شکنجه نکردند؟ آیا آنها برای حفظ اسلام سالها در میدانهای جنگ نجات میبخشیدند؟

و شهید نشدند؟ آیا علی (ع) را بخاطر سعیش در پیاده کردن اسلام راستین و حکومت عدل اسلامی شهید نکردند؟ آیا امام حسن را مسموم نکردند؟ آیا امام حسین و یارانش را در صحرای کربلا شهید نکردند؟ آیا سایر امامان مسالها در حبس حکومتهای ظالم زمانشان بسر نبردند و سرانجام شهید نشدند؟ آیا علمای اسلام و مومنین برای حفظ اسلام راستین شکنجهها و زجرها ندیدند و شهید نشدند؟ آیا در همین دو سال اخیر دهها هزار نفر در راه تحقق جمهوری اسلامی جان خود را فدا نکردند؟ اسلام آسان بدست ما نرسیده که آسان آن را از دست بدهیم.

همه این شکنجهها، جنگها، از خودگذشتگیها و شهادتیهایی مسئولیت‌زاست. مگر فراموش کرده‌ایم که کلکم مسئول؟ ما در برابر همه مستضعفان جهان و همه آنان که کوشیدند اسلام را بدست ما برسانند مسئولیم. ما مسئول حفظ و پیروزی اسلام و نجات مستضعفان جهان هستیم. آنروزی که همه ما از قیبرها برانگیخته میشویم تا به حساب اعمالمان رسیدگی شود، در مقابل این سؤال که "پس از آنهمه کوشش و تلاش و زجر و شکنجه که برای حفظ اسلام کشیده شد، نوبت به شما که رسید چه کردید؟" چه جوابی داریم؟

اگر پرسیده شود برای حفظ و حراست اسلام چه کردید، چه جوابی داریم؟ آیا واقعا به آن روز ایمان داریم؟ اگر ایمان داریم، پس اینهمه راحت طلبیها، خودخواهیها، پول پرستیها، قدرت طلبیها، و... برای چیست؟ بیایید یقین داشته باشیم که آن روز فرا خواهد رسید و بدانیم که دنیا مزرعه آخرت است و هر کسی چیزی را درو خواهد کرد که امروز می‌کارد. آنروز بر طبق اعمال ما، با ما رفتار خواهد کرد. پس بیایید آخرت را فدای دنیا نکنیم بیایید در راه خدا همه چیزمان را فدا کنیم و با مال و جان در راهش جهان کنیم که این بهترین راه است. هر کدام از ما به اندازه امکانات و موقعیتان مسئولیم و باید تمام کوشش خود را در راه استفاده هر چه بیشتر از امکاناتمان بکار ببریم.

چندی پیش کتاب "پیام امید به روشنفکر مسئول" اثر معلم شهیدمان دکتر شریعتی را می‌خواندم و به مناسبت ارتباطی که با وضع فعلی کشور ما و جهان دارد خلاصه‌ای از آنرا ذکر می‌کنم، تا هم همه مردم بدانند که چه موقعیت و امکاناتی داریم و باید از آن استفاده کنیم و اگر نکنیم در پیشگاه خداوند مسئولیم، و هم آنان که در راه پیروزی انقلاب تلاش میکنند، امیدوار باشند که انشاء الله پیروزی از آن، آنان است.

در کتاب معلم شهیدمان برداشتی دارد از سوره روم و بررسی موقعیت زمانی و مکانی، ظهور اسلام و بعد از آن. اگر مسأله را که مطرح میشود با زمان حال مقایسه کنیم، خواهیم دید که چه مسئولیت و چه امکانات بزرگی داریم. در زمان ظهور اسلام مشاهده میکنیم که، دنیا بصورت دو قطب درآمده، دو بر قدرت، دو امپراطور، همه جهان را بین خود تقسیم کرده‌اند. سرنوش همه ملتها هم‌ترازها و همه قائل و همه تمدنها یا در تسلط ظننه تعیین میشود و یا در مرکز ایران یعنی مدائن، از نظر نظامی رومیها، لژیون عربیشان صد هزار نفر است، سیاه جناح جنوبی آن نیز صد هزار نفر مسلح دارد و اگر نخواهد میتوانست سرعت دوپست هزار نفر دیگر قوای مسلح تجهیز کند، آنهم نه با شمشیر و خنجر، بلکه با منجنیق و قلعه‌گوبهای نیرومند.

ایران هفتصد هزار مسلح بیدیون می‌فرستد، سپاهی که به شمال شرقی گسیل میکند ۵۰۰ هزار نفر است. سپاهی که فقط در یادگان جی اسفهان دارد سیصد هزار نفر است، سپاهی که زین و برگ و افسار و تزئینات هر اسبش از مجموعه اسلحه تمام عرب گران قیمت تر است.

بنابراین در قرن هفتم، اگر ما در مکه باشیم، دنیا در دست دو غول است، دو غول نظامی که علوم، تکنیک، فرهنگ، تمدن، مذاهب پیشرفته، فلسفه‌ها، علما، نظام - های اجتماعی، روابط اجتماعی، سازمانهای اداری و نظامی و همه اسلحه‌های مدرن در دست امپراطورهای عظیم ایران و روم است. ایران تمام شرق را زیر تسلط دارد و روم هم تمام غرب را. در این شرایط اسلام عرضه شده، افرادی نظیر بلال، عمار، ابودر، خباب، سبه، سلمان و افرادی نظیر اینها اسلام را پذیرفته‌اند. هر یک از این افراد را ساعتها در زیر آفتاب سوزان به انواع طرق شکنجه میدهند. و پیامبر نمی‌تواند کاری بکند. در چنین شرایطی و با آن وضع موجود در جهان، رهبر این اقلیت کوچک و ضعیف، حکومت بر جهان و زمامداران بشر و وراثت همه تمدنهای بزرگ دنیا و تسلط بر شرق و غرب را به آنها مژده میدهد. میگوید اگر شما مومن باشید، متقی باشید و کار کنید، همین تسل شما - نه آبنده - بر دنیا حکومت خواهید کرد.

"طبقه روشنفکر آن زمان او را به باد تمسخر میگیرند. روشنفکران آن دوره یک عده شعرا بودند و یک عده تجار بزرگ و کوچک که اجناس را از ایران و روم می‌آوردند و می‌فروختند و با از محل خود به آنجا می‌بردند و می‌فروختند کسانی هم بودند که با ادیان خارجی آشنائی داشتند، یا به آنها معتقد شده بودند، یعنی تازه دینهای بزرگ جهانی را شناخته بودند، مثل روشنفکرهای زمان ما که مثلا امروز فلان مکتب را می‌شناسند، یا ایدئولوژی جهانی تشخیص میدهند و به آن معتقد میشوند. عده‌ای هم بودند که با ایران تماس داشتند (ایرانی زده) و عده‌ای که با روم تماس داشتند (غرب زده) این طبقه اوضاع سیاسی و نظامی ایران و روم را با وضع موجود در عربستان و ایران محمد (ص) می‌سنجید و او را مسخره میکرد. لشکرهای ایران و روم را به رخ می‌کشید. آقا می‌دانید دنیا کجاست؟ سیاه و اسلحه دست کیست؟ میدانی قدرت کجاست؟" چنانچه

غرب است. بالاخر در قرن هفتم در موقع نزول سوره روم و گرفتاری و ضعف پیروان پیغمبر. روی سخن قرآن با دو گروه است. هم روشنفکران بی مسئولیت و هم روشنفکران مسئول که در میان باران پیغمبرند.

(الم، غلبت الروم فی ادنی الارض وهم بعد غلبهم سیغلبون) روم شکست خورد در خاور نزدیک و آنها بعد از شکستان پیروز خواهند شد در اندلس (بین ۳ تا ۹ سال) (لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المومنون) همه - چیز در دست اراده خدا است و مومنین خوشحال میشوند. ظاهر امر یک پیش بینی است، اما شکست یا پیروزی امر - قدرتها چه ربطی به این شکنجه شدگان دارد؟ مسئله شکست و پیروزی قدرتهای بزرگ یک قانون جهانی است که در سوره روم مطرح میشود. این جبر است که قدرتهایی که تبدیل میشوند به قدرت متجاوز و امپریالیست باهم تضاد پیدا میکنند، تقدیر بهم حمله میکنند و همدیگر را شکست میدهند کنسل بعدنسل همه ذخیره‌هایشان را فدای جنگ می‌کنند و به شکل دو هیکل بزرگ اما از درون پوچ درمی‌آیند. آن - چنان همدیگر را می‌کوبند و می‌زنند که عامل فساد، فحشاء، تخدیر، انحراف ذهنی، یاس، ناتوانی نظامی و روابط اجتماعی و طبقاتی و سازمانهای اداری و روحیه نظامیشان را از درون بیوسانند که بهترین نیروهایشان را در صحنه جنگهای فرساینده نابود کنند و با ضربه مسلمانان از میان برونند و این مومنین اسیر و بیچاره می‌توانند نفس بکشند. (بیتصر الله) بیاری خدا (بیتصرن یشاء) هر کس را که بخواهد یاری می‌کند و این به آن معنی نیست که هر کس را دلش بخواهد یاری کند بلکه هر کس شایستگی پیروزی داشته باشد، خداوند پیروزش میکند. "و هو العزیز الرحیم" خداوند گروهی را که در راه هدفش تلاش می‌کند با رحمت خودش عزت می‌بخشد.

وعد الله ولا تخلف الله وعده و لکن اکثر الناس لا یعلمون" این وعده خداوند است که هر عده‌ای و هر اقلیتی، کوچک را اگر بر راه خودش برود، بزرگ گروه نیرومند و بزرگ پیروز خواهد کرد، وعده‌ای است که همه‌جا، به همه بشریت اعلام کرده است و وعده خداوند هرگز خلاف نمی‌شود، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

اکثر مردم، کسانی که روشنفکر هستند، نمی‌دانند که این وعده خدا نسبت به قانون اصلی و ناموس خلقت است، "یعلمون ظاهرا" من الحیوه الدنیا" آنها فقط همین ظاهر مسایل و تشکیلات و قدرتها را خریدارند، "و هم عن - الاخره هم غافلون" آنها نمی‌دانند که عاقبت کار چیست و از آن غافلند.

آنگاه، یک مرتبه، همین آدم عاجز و مایوسی را که به یاس سیاسی و فلسفی و روشنفکرانه دچار شده و مسایل جهان را از زیبایی کرده، را به یک تفکر بزرگ می‌خواند، میگوید اصلا از نظر ارزیابی قدرتها و تفسیر سیاسی روز بیا بیرون، جهان و انسان و نظام کائنات و ناموس حاکم بر - خلقت را ببیندش، تابوانی مسایل را عمیق ارزیابی کنی، و بجای تفسیر سیاسی اخبار روز، که تمام ایدئولوژی و روشنفکری تو از آن گرفته شده، ریشه‌های قانونی جبر عالم و مشیت الهی را ببینی.

"اولم یتفکروانی انفسهم ما خلق الله السموات والارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمی" مگر تفکر نمی‌کنید پیش خودتان که خداوند آسمان و زمین و هر چه در میان آن است جامعه نظام قدرتها، آدمها و افراد را نیافریده مگر بر اساس حق و اجل مسمی. چنین نیست که زور غالب باشد و سر - نوشت بشر دست چند قدرت باشد، نه، اینها قدرتهای روزمره هستند و فردا نابود میشوند.

بنابراین در فرصت معین امپراطوری شرق و غرب روبه - زوال میروند و شما می‌توانید و باید به سرنوشت خودتان و نابودی آنها مطمئن باشید.

بعد از این مسئله فلسفی تاریخ را مطرح می‌کنند. "اولم یسیروانی الارض فیتظروا کیف کان عاقبت الدین من قبلهم" مگر در تمام زمین سیر نمی‌کنید و نمی‌بینید که پایان کار کسانی که قبل از اینها بودند. "کاتواثر منم قوه" آنها از این دو امپراطور هم قوی تر بودند. "و آثار والارض و عمروها اکثر ماعروها" آنها تمام زمین را کوبیدند و بیشتر از اینها همه‌جا را استعمار کردند، همه کس و همه‌جا را استعمار کردند. "و جانشینم رسلهم بالبینات" و آنگاه پیامبران برای آنها حجت آوردند. خوب و بد را مشخص کردند. همه را نسبت به زمان خودشان و جامعه‌شان آگاه کردند، پیام آوردند، پیام امید و آگاهی که هم قدرتمندان بدانند که قدرشان روبه زوال است و هم توده‌های مردم بدانند که ضعفشان رو به قدرت. "فماکان الله، لیظلمهم و لکن کانوا انفسهم یظلمون" خدا نیست که به مردم ظلم می‌کند، بلکه اینها خودشان هستند که به خودشان ستم می‌کنند، برای اینکه خدا در جهل و بدبختی به مردم سر - نوشتشان را به حال خودشان رها نکرده و پیامبران فرستاد. "ولکن کانوا انفسهم یظلمون، ثم کان عاقبه الدین اسوا - السوی ان کذبوا بانشاء الله" این آیات خداست، قوانین علمی است، آنچه‌ای است که تغییر پذیر نیست، مسلم است هر گروه ضعیف اگر به آگاهی میرسد، راه را بشناسد و در راه برود و تصمیم برای پیرویش بگیرد، آیات خداوند پیرویش را تضمین می‌کنند. "بیتصر الله" و یاری خداوند در برابر هر قدرتی پشتیبان اوست. "الله یدوی الخلق" خداوند میخورد تو آدم بدبخت و فقیر و یاری می‌دهد در دنیای سوم قرار داری بجای آنکه در برابر قدرتها خودت را ضعیف بدانی، آنها را محکوم به زوال کند و تو را در برابر خدا قرار دهد. "رویت را از این طرف بگردان و بینین منشاء قدرتها کجاست، فقط به این قدرت تکیه کن و به او ببیندش و ارزیابی کن، نه آنچه را که ظاهر دنیا و ظاهر مسایل روز است."

قافم و جهک للذین حنیفا فطرت الله التي فطر - الناس علیها لا یتبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم" رویت. را بطرف ایمانی بگردان که تو را از باطل به حق بکشاید. برگرد به فطرت انسانی خودت، بدان که همه قدرتها در فطرت تو نهاده شده است، و خدا در فطرت تو است، پس به او تکیه کن بعنوان سرچشمه امید.

فطرتی که خداوند همه مردم را بر آن فطرت ساخته است، آنچه خداوند خلق کرده همیشه ثابت است، بصورت یک قانون علمی و تغییرناپذیر است. اگر به آن قانون تکیه کنی بر همه قدرتها پیروز میشوی. "ذلک الدین

ما در برابر همه مستضعفان جهان و همه آنان که کوشیدند اسلام را بدست ما برسانند مسئولیم. ما مسئول حفظ و پیروزی اسلام و نجات مستضعفان جهان هستیم.

مسئولیت تمام انحرافات بدگستارها و جنایات ۱۴۰۰ ساله بر عهده کسانی است که در راه انقلاب اسلامی پیامبر و علی و سایر ائمه کارشکنی کردند و اسلام را، فدای خودخواهیها، دنیا پرستی، قدرت طلبیها کردند.

هر لغزش کوچکی از فرد فرد ما در تاریخ تأثیر مستقیم دارد و بدنبال آن مسئولیت بزرگ.

بدانیم که دنیا مزرعه آخرت است و هر کسی چیزی را درو خواهد کرد که امروز و زمینکار آنروز بر طبق اعمال ما، با ما رفتار خواهند کرد.

اگر ما بتوانیم مکتبمان را بدنیای عرضه کنیم، دنیا آماجگی پذیرش آن را دارد و اگر عرضه نکنیم در مقابل همه آن جویندگان راه حقیقت که بدگمراهی میر و ند مسئولیم

ملاحظه شد، معلوم است تقسیم بندی دنیا از نظر وضع فعلی است یا ۱۴۰۰ سال پیش، هر دو زمان مشابه هم است حتی الفاظ تغییر نکرده، جبهه گیریها عوض نشده جهت های جغرافیایی فرقی نکرده مسلمانان زمان حال هم، چنان وضعی را دارند. منتهی محدوده بدبختیهای گسترده تر شده است. بلوک شرق و بلوک غرب در دنیا حاکم است و مسلمانها در وسط قرار دارند جز دنیای سومند.

براستی پیامبر چگونه این وعده را به یارانش داد. اگر جواب این سؤال را بیابیم، با مشاهده شباهت زمانی پیغمبر و زمان حال و با توجه به این که وعده پیامبر درست بود و مسلمانان هر دو بر قدرت را شکست دادند، قادر خواهیم بود که راه صحیح را انتخاب کنیم و با امیدواری تلاش کنیم. پس برگردیم به زمان پیغمبر و بررسی مسایل آنروز. "ایران و روم روی تقسیم بندی همه جا به توافق رسیده‌اند، ولی هنوز بعضی جاها حل نشده، یک قسمت از ارمنستان است و دیگری بین النهرین که گاه تحت تسلط بلوک شرق قرار میگرفتند و گاه تحت لوای تسلط غرب. بنا - براین، خاور نزدیک درست صحنه نبرد بین دو بلوک شرق

و غرب است. بالاخر در قرن هفتم در موقع نزول سوره روم و گرفتاری و ضعف پیروان پیغمبر. روی سخن قرآن با دو گروه است. هم روشنفکران بی مسئولیت و هم روشنفکران مسئول که در میان باران پیغمبرند.

(الم، غلبت الروم فی ادنی الارض وهم بعد غلبهم سیغلبون) روم شکست خورد در خاور نزدیک و آنها بعد از شکستان پیروز خواهند شد در اندلس (بین ۳ تا ۹ سال) (لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المومنون) همه - چیز در دست اراده خدا است و مومنین خوشحال میشوند. ظاهر امر یک پیش بینی است، اما شکست یا پیروزی امر - قدرتها چه ربطی به این شکنجه شدگان دارد؟ مسئله شکست و پیروزی قدرتهای بزرگ یک قانون جهانی است که در سوره روم مطرح میشود. این جبر است که قدرتهایی که تبدیل میشوند به قدرت متجاوز و امپریالیست باهم تضاد پیدا میکنند، تقدیر بهم حمله میکنند و همدیگر را شکست میدهند کنسل بعدنسل همه ذخیره‌هایشان را فدای جنگ می‌کنند و به شکل دو هیکل بزرگ اما از درون پوچ درمی‌آیند. آن - چنان همدیگر را می‌کوبند و می‌زنند که عامل فساد، فحشاء، تخدیر، انحراف ذهنی، یاس، ناتوانی نظامی و روابط اجتماعی و طبقاتی و سازمانهای اداری و روحیه نظامیشان را از درون بیوسانند که بهترین نیروهایشان را در صحنه جنگهای فرساینده نابود کنند و با ضربه مسلمانان از میان برونند و این مومنین اسیر و بیچاره می‌توانند نفس بکشند. (بیتصر الله) بیاری خدا (بیتصرن یشاء) هر کس را که بخواهد یاری می‌کند و این به آن معنی نیست که هر کس را دلش بخواهد یاری کند بلکه هر کس شایستگی پیروزی داشته باشد، خداوند پیروزش میکند. "و هو العزیز الرحیم" خداوند گروهی را که در راه هدفش تلاش می‌کند با رحمت خودش عزت می‌بخشد.

وعد الله ولا تخلف الله وعده و لکن اکثر الناس لا یعلمون" این وعده خداوند است که هر عده‌ای و هر اقلیتی، کوچک را اگر بر راه خودش برود، بزرگ گروه نیرومند و بزرگ پیروز خواهد کرد، وعده‌ای است که همه‌جا، به همه بشریت اعلام کرده است و وعده خداوند هرگز خلاف نمی‌شود، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

اکثر مردم، کسانی که روشنفکر هستند، نمی‌دانند که این وعده خدا نسبت به قانون اصلی و ناموس خلقت است، "یعلمون ظاهرا" من الحیوه الدنیا" آنها فقط همین ظاهر مسایل و تشکیلات و قدرتها را خریدارند، "و هم عن - الاخره هم غافلون" آنها نمی‌دانند که عاقبت کار چیست و از آن غافلند.

آنگاه، یک مرتبه، همین آدم عاجز و مایوسی را که به یاس سیاسی و فلسفی و روشنفکرانه دچار شده و مسایل جهان را از زیبایی کرده، را به یک تفکر بزرگ می‌خواند، میگوید اصلا از نظر ارزیابی قدرتها و تفسیر سیاسی روز بیا بیرون، جهان و انسان و نظام کائنات و ناموس حاکم بر - خلقت را ببیندش، تابوانی مسایل را عمیق ارزیابی کنی، و بجای تفسیر سیاسی اخبار روز، که تمام ایدئولوژی و روشنفکری تو از آن گرفته شده، ریشه‌های قانونی جبر عالم و مشیت الهی را ببینی.

"اولم یتفکروانی انفسهم ما خلق الله السموات والارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمی" مگر تفکر نمی‌کنید پیش خودتان که خداوند آسمان و زمین و هر چه در میان آن است جامعه نظام قدرتها، آدمها و افراد را نیافریده مگر بر اساس حق و اجل مسمی. چنین نیست که زور غالب باشد و سر - نوشت بشر دست چند قدرت باشد، نه، اینها قدرتهای روزمره هستند و فردا نابود میشوند.

بنابراین در فرصت معین امپراطوری شرق و غرب روبه - زوال میروند و شما می‌توانید و باید به سرنوشت خودتان و نابودی آنها مطمئن باشید.

بعد از این مسئله فلسفی تاریخ را مطرح می‌کنند. "اولم یسیروانی الارض فیتظروا کیف کان عاقبت الدین من قبلهم" مگر در تمام زمین سیر نمی‌کنید و نمی‌بینید که پایان کار کسانی که قبل از اینها بودند. "کاتواثر منم قوه" آنها از این دو امپراطور هم قوی تر بودند. "و آثار والارض و عمروها اکثر ماعروها" آنها تمام زمین را کوبیدند و بیشتر از اینها همه‌جا را استعمار کردند، همه کس و همه‌جا را استعمار کردند. "و جانشینم رسلهم بالبینات" و آنگاه پیامبران برای آنها حجت آوردند. خوب و بد را مشخص کردند. همه را نسبت به زمان خودشان و جامعه‌شان آگاه کردند، پیام آوردند، پیام امید و آگاهی که هم قدرتمندان بدانند که قدرشان روبه زوال است و هم توده‌های مردم بدانند که ضعفشان رو به قدرت. "فماکان الله، لیظلمهم و لکن کانوا انفسهم یظلمون" خدا نیست که به مردم ظلم می‌کند، بلکه اینها خودشان هستند که به خودشان ستم می‌کنند، برای اینکه خدا در جهل و بدبختی به مردم سر - نوشتشان را به حال خودشان رها نکرده و پیامبران فرستاد. "ولکن کانوا انفسهم یظلمون، ثم کان عاقبه الدین اسوا - السوی ان کذبوا بانشاء الله" این آیات خداست، قوانین علمی است، آنچه‌ای است که تغییر پذیر نیست، مسلم است هر گروه ضعیف اگر به آگاهی میرسد، راه را بشناسد و در راه برود و تصمیم برای پیرویش بگیرد، آیات خداوند پیرویش را تضمین می‌کنند. "بیتصر الله" و یاری خداوند در برابر هر قدرتی پشتیبان اوست. "الله یدوی الخلق" خداوند میخورد تو آدم بدبخت و فقیر و یاری می‌دهد در دنیای سوم قرار داری بجای آنکه در برابر قدرتها خودت را ضعیف بدانی، آنها را محکوم به زوال کند و تو را در برابر خدا قرار دهد. "رویت را از این طرف بگردان و بینین منشاء قدرتها کجاست، فقط به این قدرت تکیه کن و به او ببیندش و ارزیابی کن، نه آنچه را که ظاهر دنیا و ظاهر مسایل روز است."

قافم و جهک للذین حنیفا فطرت الله التي فطر - الناس علیها لا یتبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم" رویت. را بطرف ایمانی بگردان که تو را از باطل به حق بکشاید. برگرد به فطرت انسانی خودت، بدان که همه قدرتها در فطرت تو نهاده شده است، و خدا در فطرت تو است، پس به او تکیه کن بعنوان سرچشمه امید.

فطرتی که خداوند همه مردم را بر آن فطرت ساخته است، آنچه خداوند خلق کرده همیشه ثابت است، بصورت یک قانون علمی و تغییرناپذیر است. اگر به آن قانون تکیه کنی بر همه قدرتها پیروز میشوی. "ذلک الدین

ما در برابر همه مستضعفان جهان و همه آنان که کوشیدند اسلام را بدست ما برسانند مسئولیم. ما مسئول حفظ و پیروزی اسلام و نجات مستضعفان جهان هستیم.

مسئولیت تمام انحرافات بدگستارها و جنایات ۱۴۰۰ ساله بر عهده کسانی است که در راه انقلاب اسلامی پیامبر و علی و سایر ائمه کارشکنی کردند و اسلام را، فدای خودخواهیها، دنیا پرستی، قدرت طلبیها کردند.

هر لغزش کوچکی از فرد فرد ما در تاریخ تأثیر مستقیم دارد و بدنبال آن مسئولیت بزرگ.

بدانیم که دنیا مزرعه آخرت است و هر کسی چیزی را درو خواهد کرد که امروز و زمینکار آنروز بر طبق اعمال ما، با ما رفتار خواهند کرد.

اگر ما بتوانیم مکتبمان را بدنیای عرضه کنیم، دنیا آماجگی پذیرش آن را دارد و اگر عرضه نکنیم در مقابل همه آن جویندگان راه حقیقت که بدگمراهی میر و ند مسئولیم

ملاحظه شد، معلوم است تقسیم بندی دنیا از نظر وضع فعلی است یا ۱۴۰۰ سال پیش، هر دو زمان مشابه هم است حتی الفاظ تغییر نکرده، جبهه گیریها عوض نشده جهت های جغرافیایی فرقی نکرده مسلمانان زمان حال هم، چنان وضعی را دارند. منتهی محدوده بدبختیهای گسترده تر شده است. بلوک شرق و بلوک غرب در دنیا حاکم است و مسلمانها در وسط قرار دارند جز دنیای سومند.

براستی پیامبر چگونه این وعده را به یارانش داد. اگر جواب این سؤال را بیابیم، با مشاهده شباهت زمانی پیغمبر و زمان حال و با توجه به این که وعده پیامبر درست بود و مسلمانان هر دو بر قدرت را شکست دادند، قادر خواهیم بود که راه صحیح را انتخاب کنیم و با امیدواری تلاش کنیم. پس برگردیم به زمان پیغمبر و بررسی مسایل آنروز. "ایران و روم روی تقسیم بندی همه جا به توافق رسیده‌اند، ولی هنوز بعضی جاها حل نشده، یک قسمت از ارمنستان است و دیگری بین النهرین که گاه تحت تسلط بلوک شرق قرار میگرفتند و گاه تحت لوای تسلط غرب. بنا - براین، خاور نزدیک درست صحنه نبرد بین دو بلوک شرق

و غرب است. بالاخر در قرن هفتم در موقع نزول سوره روم و گرفتاری و ضعف پیروان پیغمبر. روی سخن قرآن با دو گروه است. هم روشنفکران بی مسئولیت و هم روشنفکران مسئول که در میان باران پیغمبرند.

(الم، غلبت الروم فی ادنی الارض وهم بعد غلبهم سیغلبون) روم شکست خورد در خاور نزدیک و آنها بعد از شکستان پیروز خواهند شد در اندلس (بین ۳ تا ۹ سال) (لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المومنون) همه - چیز در دست اراده خدا است و مومنین خوشحال میشوند. ظاهر امر یک پیش بینی است، اما شکست یا پیروزی امر - قدرتها چه ربطی به این شکنجه شدگان دارد؟ مسئله شکست و پیروزی قدرتهای بزرگ یک قانون جهانی است که در سوره روم مطرح میشود. این جبر است که قدرتهایی که تبدیل میشوند به قدرت متجاوز و امپریالیست باهم تضاد پیدا میکنند، تقدیر بهم حمله میکنند و همدیگر را شکست میدهند کنسل بعدنسل همه ذخیره‌هایشان را فدای جنگ می‌کنند و به شکل دو هیکل بزرگ اما از درون پوچ درمی‌آیند. آن - چنان همدیگر را می‌کوبند و می‌زنند که عامل فساد، فحشاء، تخدیر، انحراف ذهنی، یاس، ناتوانی نظامی و روابط اجتماعی و طبقاتی و سازمانهای اداری و روحیه نظامیشان را از درون بیوسانند که بهترین نیروهایشان را در صحنه جنگهای فرساینده نابود کنند و با ضربه مسلمانان از میان برونند و این مومنین اسیر و بیچاره می‌توانند نفس بکشند. (بیتصر الله) بیاری خدا (بیتصرن یشاء) هر کس را که بخواهد یاری می‌کند و این به آن معنی نیست که هر کس را دلش بخواهد یاری کند بلکه هر کس شایستگی پیروزی داشته باشد، خداوند پیروزش میکند. "و هو العزیز الرحیم" خداوند گروهی را که در راه هدفش تلاش می‌کند با رحمت خودش عزت می‌بخشد.

وعد الله ولا تخلف الله وعده و لکن اکثر الناس لا یعلمون" این وعده خداوند است که هر عده‌ای و هر اقلیتی، کوچک را اگر بر راه خودش برود، بزرگ گروه نیرومند و بزرگ پیروز خواهد کرد، وعده‌ای است که همه‌جا، به همه بشریت اعلام کرده است و وعده خداوند هرگز خلاف نمی‌شود، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

اکثر مردم، کسانی که روشنفکر هستند، نمی‌دانند که این وعده خدا نسبت به قانون اصلی و ناموس خلقت است، "یعلمون ظاهرا" من الحیوه الدنیا" آنها فقط همین ظاهر مسایل و تشکیلات و قدرتها را خریدارند، "و هم عن - الاخره هم غافلون" آنها نمی‌دانند که عاقبت کار چیست و از آن غافلند.

الغیم" این، آن ایدئولوژی استوار و پابرجاست و همیشه می‌توانی به آن تکیه کنی و بدانی که هرگز متزلزل نمیشود، "ولکن اکثر الناس لا یعلمون" ولی اکثر مردم نمی‌دانند. یک مرتبه، اینجا مسئله باران را مطرح می‌کنند، نمی - بینی که خدا از میان ابرها چگونه باران را می‌فرستد و پراکنده می‌کند اینجا کدام باران است؟ هم این باران و هم باران آگاهی و شعور که بر یک ملت مرده می‌بارد و بهار را می‌ریزاند. "ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس لینیقیهم بعضی الذی عملوا لعلهم یرجعون" فساد در بحر و در بر یعنی همه‌جا زمین را فرا گرفته و فسادی که نتیجه اعمال خود شامت و خداوند دست بخت خودتان را که همان بیچارگی و بدبختی است به شما میخوردن شاید بیدار شوید و برگردید. "اللله الذی خلقکم، ثم رزقکم، ثم یمیتکم، ثم یرقیکم" باز برمیگردید به تاریخ "قل یریب - وافی الارض" به اینها بگو بروند زمین را برگردند "فاظفر - واکیف کان عاقبه الدین من قبلهم" و ببینند پایان روزگار کسانی را که پیش از اینها بودند "کان اکثرهم مشرکون" بیشترشان مشرک بودند و برای همین بود که سرنوشتشان رو به تناهی گرائید. "و بار دوم ثیو" فاقم وجهک للذین القیم" و سپس مطرح می‌کند که همان نظامی که بر طبیعت حاکم است برجامه بشری هم حاکم است، به قوانین طبیعت اشاره می‌کند و میگوید تو هم نتیجه گیری کن، نه تنها از تاریخ بلکه از طبیعت. خدا کسی است که نسیم آگاهی و اندیشه را بر یک جامعه و بر یک نسل می‌فرستد و ابرها را برمی‌انگیزد، از زمین، در زیر خورشید آگاهی، ابرهای آگاهی، تصمیم و احساس و این احساسهای اندک - اندک از زمین به آسمان میروند و برانگیخته میشود و انبوهی می‌شود که آسمان را برمی‌کند و افق تا افق بسط میدهد و بعد باران می‌فرستد و چون این باران به آن دل آماده رویش و آماده بهار میرسد، آنگاه اینها هستند که مژده و بشارت می‌یابند و امیدوار میشوند. پس بنگر به آثار رحمت خدا که چگونه زمینی را که مرده است در بارش باران زنده می‌کند و اوست زندگی و حیات بخش بر مردگان، خداوند بر همه چیز قادر است حتی زنده کردن یک برگ مرده، اگر در زیر باران آگاهی و ایمان و عشق قرار گیرند، اما برای اینکه مسئله ایده‌آلیستی نشود می‌گوید، ای کسی که می‌خواهی ملت بدبختی را که بین دو ابر قدرت اسیر هستند، بحرکت در بیاوری اما نمی‌توانی به مرده‌ای که بویک و بوجش کرده‌اند بفهمانی. چون حرکت و شیره بهار را در ذاتش میرانداند، تو کورها را نمی‌توانی راه‌نمایانی بیابانی که دنبال راه است، واقعا خواهان راه پیدا کردن است و احساس کم کردن راه می‌کند، به او فقط می‌توانی راه را بشناسانی.

در اینجا برای آنکه روشن شود که در آینه‌های بسیار نزدیک، مردم دنیا، ملت‌های اروپا و آمریکا و روسیه مادگی پذیرش یک مکتب معنوی را دارند و واقعا بدنبال پیدا کردن راه خواهند بود. خلاصه‌ای از کتاب نگاهی به تاریخ فردا را بررسی می‌کنیم.

از نظر جامعه شناسی برای هر دوره از تاریخ می‌توان مخروطی، در نظر گرفت. در این مخروط، توده مردم از نظر سطح و حجم در قسمت تحتانی مخروط دارند، روشنفکران هر دوره در قسمت فوقانی مخروط قرار دارند. مقصود از روشنفکر کلیه کسانی است که کارشان بیشتر به فکر مربوط می‌شود تا به یکی از اعضای بدن، در هر دوره تعداد روشنفکران بیشتر از دوره پیش است چون فرهنگ عمومی تر است و افکار بازر می‌شود. اما یک چیز دیگری هم هست، در هر دوره علاوه بر عوام و روشنفکران، افراد معدود و منفردی هم هستند که اندیشه یا عقایدی برخلاف طبقه روشنفکر و تحصیل کرده دارند. اینها حرشان از جنس سخن روشنفکران نیست بلکه اصولا "اندیشه تازه‌ای را بپوش می‌آورند اینها در راس مخروط جای می‌گیرند، اما به علت تعداد کمشان طبقه‌ای تشکیل نمی‌دهند. برای مثال: اگر این مخروط را در قرون وسطی پیاده کنیم، می‌بینیم که عوام طرفدار روشنفکران هستند، روشنفکران هم کسانی هستند که در کلیسا درس خوانده‌اند، اما عده‌ای هم هستند که در برابر خدایپرستی، علم پرستی را بنا می‌گذارند.

مذهب می‌گفتند که هر چه منصوص است باید پذیرفت و هر چه که نیست باید طرد شود. اینها در - مقابل می‌گفتند آنچه می‌اندیشیم و تجربه می‌کنیم قبول داریم و آنچه نیست، قبول نداریم تا با تجربه و علم به ما ثابت شود. البته آن موقع آنرا تکفیر و محاکمه کردند (مثل محاکمه گالیله). حال همین مخروط را در دوره بعد پیاده میکنیم: طبقه عوام فرقی نکرده، فقط حجمش کمتر شده، اما طبقه روشنفکر و تحصیل کرده درست همان حرفه‌های را میزند که نواخ دوره قبل میزدند. یعنی دوره بعد همیشه مکتبش و طرز تفکرش عبارت است از عقایدی که نواخ دوره قبل ابراز میکردند.

حال توجه کنید: این مخروط را در زمان حال پیاده میکنیم. عوام همان دوره قبل هستند تحصیل کرده‌های جدید به میزانی که با علم آشنا میشوند، با مذهب بومی و قومی و ملی خویش بیگانه میشوند و از آن دور میشوند. این را آمار کسانیکه مطالعات جامعه‌شناسی - مذهبی در کشورهای اروپایی و آمریکایی، شرقی و غربی کرده‌اند نشان میدهد. اما غیر از این دو طبقه نواخ را هم باید در نظر گرفت. طرز تفکری دارند، آتوق میتوانیم تاریخ فردا را پیش بینی کنیم. نواخ امروز، افرادی چون گنسون، آلکسیس کارل، لوکت دولویی، انیشتن، ویلیام جیمز و ماکس پلانک هستند البته نمیتوان گفت که همه اینها یکچور حرف می‌زنند، ولی در تمام اینها یک کلمه احساس مذهبی و اعتقاد به معنویت مشترک است. البته به هیچوجه نمیتوان گفت که مذهب اینها از نوع مذهب عوام است، بلکه یک مذهب مافوق علمی است. بسیاری از سخنانی که ما در قرآن داریم و با روی مارتست یا حقایق اسلامی به آن رسیده‌ایم، یک در یک ترجمه از زبان ماکس پلانک، انیشتن یا کارل میثونیم.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

در تمام اینها یک کلمه احساس مذهبی و اعتقاد به معنویت مشترک است. البته به هیچوجه نمیتوان گفت که مذهب اینها از نوع مذهب عوام است، بلکه یک مذهب مافوق علمی است. بسیاری از سخنانی که ما در قرآن داریم و با روی مارتست یا حقایق اسلامی به آن رسیده‌ایم، یک در یک ترجمه از زبان ماکس پلانک، انیشتن یا کارل میثونیم.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.

بنابراین بی‌شک مذهب امروز، بازگشت به مذهب فوق علمی یا نزدیک شدن به مذهب باوق علمی یا به حقیقت مذهب است.



آیت‌الله موسوی اردبیلی :

س : در ارتباط با مسائلی که انقلاب با آن درگیر است عمده‌ترین مسائلی که فکر شما را به خود مشغول داشته چیست؟

ج : عمده‌ترین مسئله در نظر من از آن اول هم همین بود حالا هم همین است که اگر ما نتوانیم در نتیجه تفکر این انقلاب اسلامی به یک تفسیر روشن مورد قبول همه آتیه‌ای که اسلامی هستند و نیروهای فعال هستند برسیم یعنی اختلاف برداشت ، اختلاف دریافت ، اختلاف فکری داشته باشیم طبعاً ولو یک جمله یا یک کلمه باشد ، سبب میشود که نیروها در یک جهت حرکت نمی کنند آن همگامی و همراهی در بیان نخواهد بود . این خدشه برانقلاب وارد میسازد خدا رحمت کند مرحوم شهید استاد مطهری قبل از آنی که این پیروزی اولیه بدست بیاید ، یکروز در راهپیمایی این را گفت . گفت شاعرها یکی است اما معلوم نیست خواسته‌ها یکی باشد فردا وقتی این شعار را خواستیم پیاده کنیم پای خواسته‌ها به میان خواهد آمد اگر ما نتوانیم وحدت کلمه و اتحاد کلمه را در تفسیر همان جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی داشته باشیم ، هرکس یک برداشتی داشته باشد و آنرا بخواهد و احیاناً " این برداشتها با هم مخالف یا متضاد باشد هرکس چیزی را بخواهد و بخواهد آنرا پیاده کند ، اگر چنین مسئله‌ای پیش بیاید من از همه چیز بیشتر از این می‌ترسم که به انقلاب صدمه وارد کند و انقلاب را حسددار کند . البته در این جامعه این مسئله تا وجود امام در میان ماست و با آن عرفان و راهمناظریاتی که دارد در هر کجا اختلاف نظری ، اختلاف فکری ، اختلاف برداشتی بوجود می‌آید با ارشادهای بسیار گرانبهای خود این انحرافهای فکری را جبران میکند و راه را نشان میدهد ، باز این اختلافها خیلی موثر نمیتواند باشد و اگر خدائی نکرده یکروز ایشان پایش در میان نباشد آن روز است که این اختلاف برداشتها کار خود را میکند و من از همه بیشتر از آن وحشت دارم .

س : ریشه علل این موضوع را چه میدانید؟

ج : ریشه‌های مختلفی ممکن است داشته باشد و حقیقتاً هم ریشه‌های مختلف دارد . اولاً ملت ما ، امت ما ، این نیروهایی که در مبارزه بودند ، همه اینها قبلاً فرصت کافی برای آموزش نداشتند . زمینه‌های موجود فکری مختلف است ، این چیزی نیست که امروز بوجود آمده باشد قبلاً هم همین فکرها در جامعه مابود منتهی برای رشد هیچکدام از اینها میدانی نبود طاغوتی بود فکر طاغوتی بود ، نظامی بود ، همه اینها در حال کمون بود و نظام خودشان را روشن نشان نمی‌دادند ، مثلاً راجع به جمهوری اسلامی ، همه میگفتند جمهوری اسلامی اما وقتی این جمهوری اسلامی را در قوه قضائیه می‌خواهیم پیاده کنیم قاضی باید عادل باشد شاید آن روز آن قاضی در راهپیمایی هم شرکت میکرد و خودش هم جمهوری اسلامی میگفت احیاناً نماز هم نمی‌خواند روزه هم نمی‌گرفت یا پارهای عاداتی زشت هم داشت . توجه به این نداشت که من که میگویم جمهوری اسلامی در قوه قضائیه جمهوری چنین اشخاصی نمیتواند جا داشته باشد حالا میخواهد پیاده بشود و ما که نمی‌خواهیم به امتنان به ملتمان دروغ بگوئیم ، ما میخواهیم همان احکام اسلام را به حقیقت پیاده کنیم وقتیکه میخواهیم پیاده کنیم او (یعنی قاضی) وقتی که با این مسئله روبرو میشود ، قبلاً از یک جهت ناراحت بود از این جهت که به او زور میگفتند ، کسی جلوی استقلال او را میگرفت ، او از این موضوع می‌ترسید اگر بخواهیم مثال بزنیم نظائر آن زیاد است ، مثالهای زیادی داریم . از روزی که ما خواستیم جمهوری اسلامی را در این مملکت پیاده کنیم حتی در قیام ارگانهای بالای مملکت مسائلی که پیش می‌آید اختلاف برداشتها خود را نشان میداد . مکتبی بودن یا مقدار باید در نظر گرفته شود ؟ تخصص چه مقدار باید در نظر گرفته شود ؟ آیا زندگی تجلی چه مقدار میتواند در جمهوری اسلامی جا بیفتد یا اصلاً جایی ندارد . افراطها چیست ، تفريطها چیست و نظایر این زمینه‌های مختلف فکری در مسائل مختلف و نبودن آموزش کافی در این قسمتها این علت‌العلل این اختلافات است البته عوامل دیگری هم جای خود را دارد ممکن است آنها هم اثر داشته باشد .

س : فکر نمیکنید یکی از علل مهم اینگونه عکس - العکس افراطی این گروهها و افراد در اثر عملکرد نامناسب مسئولین امر باشد؟

ج : من برای این موضوع نمیتوانم نقش خیلی موثر قائل شوم البته این یک مسئله است ، طبیعی است هر عملی یک عکس العمل دارد و در عکس‌العمل هر گروه متناسب با فکر خودش عکس‌العمل نشان میدهد مسئله‌ای است طبیعی . اما زوال باید ببینیم که اینها چه موضعی را عوض کردند . یعنی قبلاً نداشتند و این کار سبب شد این موضع را بگیرند اگر بخواهیم در اینجا طبیعی فکر کنیم باید ببینیم فلان گروه اول فلان موضع را داشت اما این عمل در آن اثر گذاشت تغییر موضع داد و جور دیگر شد این طبیعی فکر کردن است . ما باید ببینیم کدامیک از این گروهها مثلاً جبهه ملی چه موضعی داشت که این عمل سبب شده باشد که او موضع خود را عوض کند . مثلاً میشود گفت آنها فکر میکردند این گروه خیلی مقید به این نیستند که وزیر حتماً باید نماز بخواند ، مثلاً عرض میکنم ، یا وزیر باید مکتبی و متعهد به مسایل مکتبی باشد یا باید به مسائل ملی گرای به آن معنای که آنجا معنی کنند (البته آنها هم در مسی اختلاف نظر دارند) وقتیکه او آمدند در مقابل این گروه قرار گرفتند ممکن است بگویند یکمقدار موضعشان را عوض کردند . مثلاً درباره گروههای دیگر کمتر این مورد بنظر میرسد . مثلاً گروه فدایی خلق قبلاً چه موضعی داشت که الان پیاده کردند و اینجنین پیاده کردند و بگوئیم این عملها سبب شد که آنها موضعشان را عوض نکنند . از آن روز اول انقلاب شما اگر کارنامه عمل آنها را تا امروز ببینید اگر آنها موضع دیگری داشتند و بعد این کارها سبب شده آنها موضعشان نرمتر یا شدیدتر شود یا تغییری در آن بوجود بیاید حتماً این عامل در آن اثر داشته‌است اما در بعضی از گروهها کمتر این مسئله مشاهده شده است .

رضا اصفهانی :

وقتی وحدت در هم شکست و انسانهای همراهِ و همگام در برابر یکدیگر قرار گرفتند ، این همان آغاز فاجعه بود که فعلاً حیات انقلابی ما را تهدید میکند امید اینست تا با کمک مردم بیدار و آگاه و نمایندگان مسئول و متعهد مجلس جریانی ایجاد کنند که باعث از میان بردن نفوذ خودخواهان استثمارگر و فرصت طلب بشوند

آیت‌الله موسوی اردبیلی :

اگر ما نتوانیم در تبیین و تفسیر این انقلاب اسلامی بیک تفسیر روشن مورد قبول همه آتیه‌ایکه اسلامی و نیروهای فعال هستند ، برسیم ، طبعاً نیروها در یک جهت حرکت نمیکنند ، آن همگامی و همراهی در میان نخواهد بود و اگر خدای نکرده یکر و زمام در میان مانباشد آن روز است که این اختلاف برداشتها کار خود را میکند و من از همه بیشتر از این وحشت دارم

استاد رضا اصفهانی :

س - عمده‌ترین نگرانی شما در زمینه مسائلی که انقلاب ما را تهدید میکند کدامند؟

س - ریشه و علل این کاستیها را چه میدانید؟

س - در ارتباط با مسائل فزونی چه راهحلهایی پیشنهاد میکنید؟

س - علی‌رغم همه مشکلات و نگرانیهایی که از آن سخن گفتید ، امیدهای شما برای غلبه نهایی بر این مشکلات کدامند؟

بنام خدا

انقلاب ما مثل انقلاب‌های دیگر با یک سلسله مشکلات و مسائلی همراه است که به نظر من اگر فکری برای رفع این مشکلات نشود و تصمیمی همراه با عمل پشت این فکر نباشد به احتمال زیاد به روزگاری خواهیم افتاد که به این زودی‌ها امید نجات نداشته باشیم . البته مشکلات انقلاب ما همانطور که میدانید یکی و دو تا نیست ولی میان این مشکلات برخی از مشکلات هست که شاید بتوان آنها را مشکلات مادر نامید ولی در عین حال بیان این مشکلات مادر هم یک مشکل وجود دارد که در رأس همه آنها قرار دارد و بدون شک اگر آن مشکل را حل کنیم مشکلات بزرگ دیگر نیز دیر یا زود برطرف خواهند شد و اما آن مشکل بزرگ چیست؟ آنچه که من تصور میکنم ، آن مشکل بزرگ ، مسئله تفرقه بعد از وحدت است میدانیم بزرگترین عامل پیروزی ما ، در این انقلاب ، وحدت و هماهنگی خاصی بود که قبل از تحقق انقلاب در ما بوجود آمده بود همچنانکه وقتی مثلاً اعلام راهپیمایی میشد چند میلیون نفر با آنکه افکار و عقاید مختلف سیاسی ، اجتماعی و مذهبی داشتند با هم حرکت میکردند و با هم شعار میدادند و با هم باز میگفتند و همین حماسه عظیم و وحدت بزرگ سبب میشد که آنجنان روحیه دشمن تضعیف شود که دست و پای خود را کم کنند و احیاناً کسانی که در راه امیال شیطنی او کام بر میداشتند و شمشیر میزدند نسبت به ادامه خدمت دچار تردید شوند و به آغوش ملت پناه برند و همراه با آنها به ست گردن هر چه بیشتر پایه‌های حکومت ننگین شاهنشاهی بپردازند و این همان معجزه وحدت بود که یکی از بزرگترین موفقیت‌های تاریخ را برای ما بوجود آورد و مسلمانان تصمیمات انقلابی امام در چنین شرایطی بود که توانست کار اساسی خود را انجام دهد و مسلمانان اگر چنین وحدتی وجود پدیدان میکرد احتمال پیروزی هم وجود نداشت و بهمین دلیل است که می‌بینیم در طول تاریخ پیغمبرانی ندای حق درآوردند و در راه پیشبرد اهدافشان تلاش هم کردند ولی از آنجا که شرط عینی وحدت در جامعه‌شان وجود نداشت موفقیتی برایشان حاصل نگردید و خود امام هم با آنکه از سال ۴۱ و بعد به شکل عمومیت‌داتر علی‌رغم رژیم شاهنشاهی فریاد زد چون شرط عینی وحدت ، محور نبود موفقیت چندانی بدست نیآورد .

بهرحال چنانکه اشاره رفت بزرگترین عامل پیروزی انقلاب ، وحدت بود . اما با کمال تأسف دیدیم دیگری نپایید که به عللی که شرح خواهیم داد این صف واحد درهم شکست و انسانهای همراه و همگام در برابر یکدیگر قرار گرفتند و این همان آغاز فاجعه بود که فعلاً حیات انقلابی ما را تهدید میکند .

همه میدانیم که کار آن جامعه متحد و یکپارچه به جای کشیده شده است که این حزب آن گروه را تاخته میکند و آن گروه این حزب را و این حزب به احزاب دیگر می‌تازد و خلاصه هر جمع و فرقه‌ای با جمع و فرقه دیگر درگیرند و شکست اینکه با اینهمه ضربه‌ها که می‌خورند از خواب غفلت بر نمی‌خیزند که هیچ بلکه روز به روز کارشان با دشواری‌های تازه‌ای مواجه میگردد .

لایذ میگوئید علت اساسی این تفرقه بعد از وحدت چیست؟ جواب اینست که این تفرقه نیز عللی دارد که مهمترین آن علل بلکه ریشه همه آنها مسئله خودخواهی است .

اصولاً تا وقتی که برای انسان مسئله خودخواهی مطرح نباشد و خودش را برتر از دیگران نبیند هیچ انگیزهای نمیتواند کارش را به تفرقه بکشد .

من یک وقتی فکر میکردم چرا خداوند در قرآن اینهمه شیطان را برای سرپیچی از فرمانش تویخ میکند و چرا هر کار خلافی را پیروی از شیطان معرفی میکند و چرا اینهمه تأکید دارد که مبادا از جای پای شیطان بگذارید بعد از مدتی باین نتیجه رسیدم که هر مصیبتی و هر کار خلافی که انسانها مرتکب میشوند ناشی از خودخواهی است اگر فلان شخص خودخواه نباشد که تجاوز به مال مردم نمیکند ، اگر خودخواه نباشد برای رسیدن به ریاست یا حفظ مقام ، مصالح دیگران را نادیده نمیگیرد و ...

بهرحال این خودخواهی به شکل‌های مختلف تبلور پیدا میکند و در جامعه در رابطه با مسئله انقلاب نیز به دو شکل اقتصادی و مقام پرستی تبلور یافته است توضیح اینکه پس از انقلاب برخی از استثمارگران که خود در تحقق انقلاب کمترین سهمی نداشتند و از انقلاب به سختی دچار وحشت شده بودند تلاش گسترده‌ای آغاز کردند که اینبار به گونه‌های دیگر یعنی در قالب افراد انقلابی به جمع آوری غارتگرانه دستاوردهای مردم مستضعف جامعه بپردازند و بخاطر عملکرد بد برخی از مسئولین اینها در اقدام پلیدی شیطنی خود تا حد زیادی موفق شدند و مردم یک بار چشم باز کردند و دیدند همان سرمایه‌داری جلادی که در رژیم سابق آنها را استثمار میکرد اکنون با شدت هر چه بیشتر به استثمار آنها پرداخته است و از طرف دیگر میدانیم اقتصاد از نظر اسلام یک مسئله بسیار مهم است و چونانچه جامعه اسلامی دچار فقر و محرومیت اقتصادی گردد خیلی مشکل است که بتواند انجم و وحدت خود را حفظ کند ، اهمیت اقتصاد از دیدگاه اسلام به حدی که در روایات اسلامی آمده که فقر در حدی نزدیک به کفر است ، البته نمی‌خواهم بگویم اقتصاد از نظر اسلام آنچنانکه ماتریالیسم تاریخی میگوید ، زیربنای همه افکار و عقاید درصحنه ۲



نیستند که بروند تحلیل کنند که بله برنامه خوب است اما بدجور عمل شده است . اینها غالباً همان عمل را با آن فکر یکی می‌دانند وقتی که خدای نکرده بد عمل نباشد اینها متقابل می‌شوند به ضد انقلاب و می‌گویند که اینها راست می‌گویند بنابراین اگر آنها بیکه واقفا در خدمت انقلاب هستند خوب عمل می‌کردند همین اعمالی که از همین انقلابیها سر میزند ناله امام ، فریاد امام و خشم امام را بر نمی‌انگیزد . این بد عمل کردن و بد عرضه کردن است راهش نمی‌آید و راه خیلی مشکلی هم نیست ، منتهی یک مقدار توجه می‌خواهد و یک مقدار هم همت می‌خواهد .

س - علی‌رغم همه مشکلات و نگرانیهای شما به چه چیزی امید من در این مسئله و نه امید من بلکه امید هر کسی امام است ما است هروقت که فکر می‌کنیم وحشتی ما را فرا می‌گیرد می‌گوئیم که اگر یک وقت پای امام در میان نباشد چه خواهد شد . چون قرار شد در میدان عمل انسانها پخته بشوند و آموزش کافی ببینند و تجربیاتی را بیاموزند .

اگر خداوند بد عمر حضرت امام بیفزاید این خیلی خوب است و اگر خدای نکرده اینطور نباشد ، آنوقت امید ما به انسانهای انقلابی است و البته امید کمی نیست . انسان وقتی در یک مخصصه‌ای قرار گرفت تغییری در وضع خود بدهد و صادقانه و صمیمانه وارد عمل شود و آن طور که وجدان انقلابی و فکر انقلابی را می‌خواهد عمل کند این دومی را بعنوان یک مسئله ما مطرح میکنیم اما آنکه همه احساس‌ناظر او توجه دارد همان امام است و من اینرا از زبان خیلی‌ها شنیده‌ام تا صحبت میکنند این حرف را می‌زنند ما وقتی گذشته را بررسی میکنیم و می‌بینیم مسائلی را که موجب اصلاح نظر شده گاهی اشتباه شده ، گاهی کارهایی انجام شده که نتیجه‌اش بد بوده این موضوعها زیاد است اما ریشه‌اش همین است .

در هر انقلابی پیش می‌آید چون هیچکس نمی‌تواند بگوید که من مصوم و هیچکس نمی‌تواند بگوید من امام جعفر صادق هستم . خوب اشتباهاتی پیش می‌آید . مسئله این است که چقدر ریشه داشته باشد علت‌العلل آن چه باشد و دشن هستند . اینجور افراد خیلی بالاست اینها افرادی گروهی داریم که اینها آمارشان خیلی بالاست ما داریم . اما ما هستند که نه آنچنان انقلابی هستند که همه چیزشان در خدمت انقلاب باشد و نه جزو صدامقلابیون هستند . نمی‌دانم کلامی تفاوت به اینها گفتن صحیح است یا نه؟ اینها در وسط هستند و مترصد این هستند که جوقاق میشود و از گفته‌ها که عمل می‌شود ، واقعیت چیست اگر انقلابی‌ها برنامه را درست پیاده کردند ، این دوست طبعاً در جریان هیچ تعصب و احساس ضعیفی ندارند . آنوقت می‌شود ۹۹ و خردهای درصد ، اما اگر در مقام پیاده کردن قرار شود برنامه‌ی بد پیاده شود آنوقت همه فیلسوف نیستند همه بوعلی سینا

خواهنده عزیز :

آنچه که از نظر من میگذرد سلسله مصاحبه‌هایی است تحت عنوان "بیم‌ها و امیدها" که به تدریج درج آنها مبادرت خواهیم ورزید .

برهیچکس پوشیده نیست که جامعه انقلابی ایران ، در یکی از حساس‌ترین و تعیین کننده‌ترین فرازهای تاریخی خویش قرار دارد . حساسیت این شرایط از یکسو و خطراتی که بهر تقدیر در اشکال گوناگون ، موجودیت انقلاب اسلامی ما را در معرض شدیدترین تهدیدها قرار داده است از سوی دیگر ناخودآگاه موجی از نگرانی را در سطوح گوناگون جامعه بوجود آورده است . لکن نباید فراموش کرد که علی‌رغم تمامی این "بیم‌ها" هنوز هم "امید" های فراوانی وجود دارد که میتواند

س : در رابطه با مسائلی که عنوان کردید راهحلی که شما پیشنهاد میکنید چیست؟

ج : من معتقدم یک واقعیت‌های ملموس در جامعه داریم اگر ما در لاک خودمان فرو نرویم و تعصب به برداشتها و دریافت‌های خود نداشته باشیم با یک نظر واقع‌بینانه میتوانیم این واقعیتها را درک کنیم و بگوئیم عمل صحیح انجام دهیم چون من درخواست‌ها این ارشاداتی که امام میفرمایند اشکال بزرگ و مهمی نمی‌بینم که بگویم در دو مورد ، در سه مورد ، در دو مورد از نظر فکری ابهامی داریم که برای ما حل نشده است و باید حل کنیم . برنامه ما مکتبی اسلام است ما برنامه مکتبی اسلامی حداقل در یک سطح روشن است . آنکه اشکال بوجود می‌آورد ، بد عمل کرده است و آنچه علتش عدم درک واقعیت‌های جامعه است اگر کجی در درک واقعیت‌های اجتماع گرفتار پارهای افکار انحرافی ، خودبینی ، خودکامی ، غرور و امثال اینها نباشد واقعیت را همانگونه که هست درک کند ، این معنای صحیح انقلاب اسلامی را که عرض کردم حداقل پیش یک دسته و یک گروه که صاحب نظر در این مسائل هستند ، نقطه ابهامی ندارد یا چندان نقطه ابهام مهمی که برای آنها یک مسئله و یک مشکل فکری مطرح کند ، ندارد . درست عرض کنم این مشکلات مقدار زیادی برطرف خواهد شد یعنی برای آنها بیکه از این جهت اشکالی دارند از بین خواهد رفت . محسنات مکتب اسلام خودش را نشان خواهد داد . میان یک دسته افراد ضدانقلابی که این ضد - انقلابیها معمولاً طبیعتشان این است که باید یا منزوی باشند یا کنار بروند یا مجبور شوند خودشان را با محیط تطبیق دهند . من برای این مطلب مثالی عرض کنم در جامعه هم انقلابی هستند همه به ضد انقلاب هستند . جامعه هم اینجور نیست که انقلابی است یا ضد انقلابی یک گروه دارد که واقفا در خدمت انقلاب هستند فکشان ، عملشان ، همه سرمایه‌هاشان ، برای آنها عزیزتر از انقلاب چیزی نیست و انقلاب را میخواهند و بس . الحمدالله درصد آنها در جامعه‌ما کم نیست من احساس می‌کنم در جامعه همه باید احساس میکنند ، افراد ضدانقلابی هم وجود دارند که اصلاحات انقلاب خوششان نمی‌آید . نمی‌پسندند با این انقلاب دشمن هستند . اینجور افراد خیلی بالاست ما داریم . اما ما گروهی داریم که اینها آمارشان خیلی بالاست اینها افرادی هستند که نه آنچنان انقلابی هستند که همه چیزشان در خدمت انقلاب باشد و نه جزو صدامقلابیون هستند . نمی‌دانم کلامی تفاوت به اینها گفتن صحیح است یا نه؟ اینها در وسط هستند و مترصد این هستند که جوقاق میشود و از گفته‌ها که عمل می‌شود ، واقعیت چیست اگر انقلابی‌ها برنامه را درست پیاده کردند ، این دوست طبعاً در جریان هیچ تعصب و احساس ضعیفی ندارند . آنوقت می‌شود ۹۹ و خردهای درصد ، اما اگر در مقام پیاده کردن قرار شود برنامه‌ی بد پیاده شود آنوقت همه فیلسوف نیستند همه بوعلی سینا

بیم‌ها و امیدها...

از فلسفه‌هاست ولی بهرحال شک نیست که در جلوگیری از هر نوع وحدت و انسجام نقش موثری دارد و از این گذشته این خیلی طبیعی است که وقتی آن کشاورز، آن کارگر و خلاصه آن قشر محروم و تحت فشار استثمار می‌بینند که بعد از انقلاب اسلامی زیر فشار بیشتری قرار دارد کم‌کم به خود انقلاب هم بدبین می‌شود چه رسد به اینکه بتوانند وحدت خود را حفظ نمایند.

شکل دوم خودخواهی: دومین شکل خودخواهی که متأسفانه در جریان بعد از انقلاب نقش مهمی در بدبین کردن بسیاری از مردم به انقلاب داشته است آن نوع خودخواهی است که به شکل ریاست‌طلبی و جاه‌پرستی جلوه می‌کند و آن به این ترتیب است که افرادی احیاناً ممکن است در اندیشه استثمار اقتصادی نیستند و اگر هم هستند این احساس در آنها نسبتاً ضعیف است ولی در برابر، دارای خودخواهی شدید جاه‌پرستانه می‌باشند و برای آنکه بتوانند چند روزی بر مردم حکومت کنند و یا به شکلی دیگر خودشان را به جامعه نشان دهند حاضرند همه مصالح آنها را بر باد دهند و با هر کس که این خواسته پلید آنها را ارضا کند سازش کنند و هر مودی را که مزاحم خود ببینند سرکوب نمایند، حالا اگر در این جریان مصلحت میلیونها انسان بر باد برود هم برای آنها مهم نیست. اینها با نفاق افکنی و تحریکات گوناگون تلاش می‌کنند که جلوی وحدت توده‌ها را بگیرند چون خود بهتر میدانند که اگر توده‌ها با یکدیگر وحدت داشته باشند آنها نمیتوانند در پست و مقام خود برقرار باشند.

راه علاج: برای آنکه بتوانیم تاحدی آب از جوی رفته را برگردانیم و آن وحدت و همبستگی اولیه را دوباره به دست آوریم باید مبارزه‌های پیگیر و بی‌امان علیه فئودالیسم، سرمایه‌داری و مستغلات‌داری که مظاهر استثمار اقتصادی هستند از یک طرف و با انحصارطلبی که مظهر بارز انحصارطلبی است از طرف دیگر شروع کنیم و اگر انشاءالله بتوانیم در این مبارزه موفقیت چشمگیری به دست آوریم امید رفع بحران خواهد بود و اگر خدای مهربان در این راه موفقیتی بدست نیآورد بعید به نظر می‌رسد که مشکل بزرگ انقلاب ما برطرف گردد و از طرف دیگر چون ممکن است یک سلسله اختلافات بر اثر برخورد ذاتی عقیدتی یا سیاسی بوجود آمده باشد لازم است هرچه زودتر برخورد‌های خشن و درگیری‌های گوناگونی که فعلاً بر جامعه ما حکومت میکند به بحث‌ها و مناظره‌های آرام تبدیل گردد.

بیم و امید

حقیقت اینست که اگرچه ظاهر امر نشان میدهد که وضع نابسامانی بوجود آمده است که دشواری‌های زیادی برای موفقیت داریم ولی با توجه به اینکه بالاخره مردمی بیدار و آگاه وجود دارند که میتوانند با کمک برخی از نمایندگان مسئول و متعهد مجلس جریانی ایجاد کنند که باعث آرمین بردن نفوذ خودخواهان استثمارگروفرست طلب تاحدی امید به آینده‌های روشن دارم ولی اگر این شرایط نشانی که به‌استثناگرایی و فرصت‌طلبی خوگرفته‌اند دست از کارشکنی‌های خود بردارند.

شهربانی اصفهان تماشاگر تر کنازی ولگردان و منحرفین

اصفهان - خبرنگار انقلاب اسلامی - یک بار دیگر پارکهای اصفهان قربانی گرفت و خون‌بگناهی بدون دلیل بر زمین ریخته شد و این آخرین بار نیست که از این گونه حوادث در پارکهای اصفهان اتفاق می‌افتد، همانطور که اولین آن نیز نبود. بارها و بارها شاهد بودیم که بر اثر نزاع و زدو خورد، شخصی در یکی از پارکها کشته میشود و برای پیگیری و رسیدن به پاساژهای پارکها از افرادی گسه غالباً و مشخماً و عمدتاً از گروههای خاصی هستند توسط مسئولین و مامورین اقداماتی صورت گرفته است. این انگلی که پارکهای اصفهان بدان دچار شده چیزی است شبیه وضع گذشته که هرگز زور زیادی داشت چند نفر نوجو و همراه بدنیال خود می‌انداخت و با قدری و باجگیری امورات خود را می‌گذاشتند و زندگی مردم را تباہ و سیاه میکرد. در این شرایط هم با چنین مسائلی روبرو هستیم که سختی‌هایی که از رزم گندیده و بوسیده سابق جدا مانده و مزینه شوم فرهنگ منحط و آریامهری را بنگ می‌کنند در گوشه کنار شهر بخصوص در مراکز پررفت و آمد اجتماع کرده و ضمن ایجاد مزاحمت برای مردم مانع رشد فرهنگ اصیل اسلامی گردیده که نمونه بارز آن به فساد کشیدن جوانان کم سن و سال توسط این عده و ایجاد زمینهای برای خرید و فروش مواد مخدر در این گونه محله (محل اجتماع خود) و غیره میباشد.

پارکها که عمدتاً در بهترین مراکز اجتماع افراد فاسد جامعه مانند فرودگاه و خریداران مواد مخدر، سختی‌های رزم گذشته، فساد افکار، مونیور سواران مزاحم، عاملین انحرافات جوانان بخصوص دختران، باجگیرها و غیره میباشد علناً بجای اینکه در جهت تفریح و رفاه مردم باشد، مرکز اجتماع ضدانقلابیون گردیده است چرا که اعمال اینها دستمک از ضدانقلابیون مسلحی که در گوشه و کنار مملکت مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی می‌جنگند نیست زیرا که اینها با جلوگیری از رشد فرهنگ اصیل اسلامی و با استقرار نظام فرهنگی منحط شعبان بی‌سخت با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه برخاسته‌اند.

این قتلها که تعدادش زیاد شده هتداری است به مسئولین که با اینگونه اعمال، جوانان و نارضایتی بالا رفته و علناً مردم با افسردگی به این اعمال نگرست و بدون تجزیه و تحلیل منطقی آنها را به حساب انقلاب می‌گذارند. شهربانی که در این راه مسئولیت بعیده دارد بدون هیچگونه تعارفی احساس مسئولیت نگردود حساب از دستش بدر رفته است. چنانکه بارها و بارها شاهد بودیم درگیریها و حلات به فرودگان روزنامه‌ها و مراکز، محللهای که قانوناً شهربانی مسئول دارد، صحنه درگیری برای مامورین محصنه نشانی شده. چندین ماه قبل در یکی از میدانی اصفهان که شهربانی دو خودرو آنجا دارد در طی یک نزاعی که بین از ده دقیقه بطول انجامید شخصی کشته میشود و در آن برخورد مامورین علناً نظاره‌گر بودند و علت عدم مداخله را از دحام مردم و زیادی جمعیت ذکر مینمودند. بهرحال استاندار در این مورد مسئولیت دارد که:

۱- ابتدا با تقویت شهربانی استان، عیان را که بدست باجگیرها، لختی‌ها و زردان شکرگرد و غیره افتاده بدست گیرد و پیش از این موجات نامنی را فراهم نیآورد.

۲- با تشکیل کمیته‌ای و یا گروهی از باستان که در هر شرایطی خاص انقلاب جانبازی خود را راه بنظر رساندن دستاوردهای آن اعلام داشته و مامورین مومن و جانباز انقلاب پارکها را از لوث وجود خست و فاسد منحرفین پاک کرده و آنجا را محلی برای استراحت خانواده‌ها بنمایند.

۳- به افراد فاسد و تباہ که جان مردم را به لب آورده‌اند و عزیزان مردم را به فساد می‌کشاند هتدار داده و آنان را به سر جای خود بفرستند. همچنین بر مجلس شورای اسلامی است که با سرعت طرح تشکیل وزارت امر به معروف و نهی از منکر را که از دستورات صریح و کمال امام امت و نیازهای انقلابی جامعه ماست تصویب برساند تا در آینده به یاری خدای تبارک و تعالی جامعه اسلامیان از شر وجود بی‌فرهنگان منحط پاک شود.

راهپیمائی مردم به پشتیبانی از دستگیری سرمایه دار معروف مرند

مرند - خبرنگار انقلاب اسلامی - بدینال دستگیری حاجی علی‌اکبر کندی یکی از چهره‌های آمریکائی حرب محصله خلق مسلمان حسین اربکاب عمل‌رسان توسط پاسداران انقلاب اسلامی مرند، مردم مسلمان و غیر این شهر ضمن شرکت در یک راهپیمائی عظیم ابرجار و بنظر خود را از این سرمایه‌دار فاسد اعلام کردند. این راهپیمائی بعد از ظهر جمعه بطرف ساد عملیات سپاه پاسداران انجام گرفت و در مقابل فر عملیاتی سپاه مردم پس از اسماع سخنان حسین علی‌پور فریاد سپاه پاسداران قطعاًهای در ۱۰ ماهه صادر کردند. در این قطعاًه ضمن پشتیبانی از عمل سپاه پاسداران، مردم خواستار محو کامل سرمایه‌داری و ارجاع پرونده کندی جهت قضاوت به حجت‌الاسلام خلخالی شدند.

دوب‌آهن اصفهان (شرکت ماهی)

۲۴۹/۲۴۷۵

آکبھی احضار

بدینوسیله به آقایان منصور پوربهنی فرزند بهمن ۳ - حاجی آقا بخندان فر فرزند علی که بموجب کفرخواست شماره ۶۸ - ۵۸/۲/۱۷ دادسرای شهرستان کرمانشاه بانجام برت تحت تعقیب قرار گرفته‌اند اخطار میشود که جهت رسیدگی بانجام خود در ششمه دوم دادگاه شهرستان کرمانشاه حاضر شوند در غیر اینصورت دادگاه پس از انقضاء دوماه از تاریخ آخرین آکبھی نسبت به انجام ۲۰۰۰ ریسمندی و تصمیم منحنی اتخاذ خواهد نمود.

رئیس شعبه منحنی دادگاه شهرستان کرمانشاه گرجی

۵۱۱/م الف

به آقای شکرالله رتوفی متهم به افتراء در پرونده ۴۱۷۸/۳۴۷/۵۸ کفبری اخطار میگردد از تاریخ نشر آخرین آکبھی ظرف سه‌ماه جهت رسیدگی اتهام خود در این شعبه حاضر شود در صورت انقضاء مهلت مقرر قانونی حضور غیاباً رسیدگی و تصمیم شایسته اتخاذ خواهد شد.

دادیار شعبه تحقیق دادسرای عمومی خرمشهر - صدری نژاد.

در بعضی از نقاط گردشگران رسانه‌های گروهی بیگانه جای صدا و سیما می‌جستند

ارومیه - شامی - مامورین سیاسی استاندار آذربایجان غربی در گفتگویی اظهار داشت رسالت بزرگی بر دوش رادبو تلویزیون است و باید فعال باشد و جای تأسف است که در بعضی مناطق کرد - نشین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران دیده و شنیده نمیشود و حتی در برخی نقاط مردم هنوز چهره امام را از تلویزیون ندیده‌اند و جای آنها را رسانه‌های گروهی خارجی گرفته است.

وی گفت در طرح کودتای اخیر گروهی از افراد شبکه نیز در یکی از پادگانهای این منطقه دستگیر شدند که ۵ نفر آنان مسئولند. وی اضافه کرد ما به محکوم به اعدام شدند و این افراد با ابدی اختیار و بالیزب یان در تاس بودند وی وجود آرایش نسبی در شهرهای مهاباد سردت، پیرانشهر و بوکان را نفوذ نیروهای مسلح غیر - قانونی در این شهرها خواند و گفت وقتی در مقابل با این افراد و گروههای غیرقانونی اقدامی صورت نمیگیرد آرایش نسبی نیز در این مناطق وجود دارد، باید سؤال شود چرا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در این زمینه اقدامی نمی‌کنند؟ در هر صورت آنها را برابر ملت شریف ایران و امام امت و مجلس شورای اسلامی مسئولند. وی اضافه کرد ما به

آگهی استخدام

تعدادی مهندس راه و ساختمان با تجربه بیش از ۵ سال در امر راهسازی یا حقوق مکفی برای استانهای مختلف نیازمندیم. تلفن ۶۲۷۷۷۴-۶ و ۶۲۵۶۶۵.

تسلیم

با کمال تأسف از درگذشت همکار صدیق و مومنان گروهیان غلامعلی نورا باخبر شدیم این مصیبت را به خانواده و بستگان تسلیت میگوئیم.

پرسنل لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

تسلیم

همکار گرامی جناب سرهنگ یحیی زندش با کمال تأسف خبر درگذشت همسر گرامیان را شنیدیم. این مصیبت را به جنابعالی و خانواده‌تان تسلیت میگوئیم.

پرسنل لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

۱۱۵۶۶/م الف آگهی تجدید مناقصه

وزارت بهداری و بهزیستی نگهداری و راهبری دستگاههای سرد و گرم‌کننده شن دستگاه ساختمانیهای خود را از تاریخ ۵۹/۷/۱ بمدت یکسال به‌منافصه میگذارد موسسات و شرکتهای واجد صلاحیت میتوانند همه روزه باستثناء ایام تعطیل از تاریخ ۵۹/۵/۲۶ با اداره تدارکات وزارت بهداری واقع در خیابان حافظ (خانیق‌نژاد) چهارراه یوسف‌آباد کاخ مرکزی طبقه دوم اطاق شماره ۲۱۷ مراجعه و اوراق شرایط مناقصه مشخصات مورد مناقصه را دریافت نمایند و ضمناً پیشنهاد - دهنده‌گان مبلغ پانصد هزارریال بعنوان سهرده شرکت در مناقصه را بحساب جاری شماره ۳۷۰۴۶ بانک مرکزی ایران پرداخت و رسید آنرا در پاکت لاک و مهر شده الف همراه با پیشنهادات خود که در پاکت لاک و مهر شده ب میباشد تا آخر وقت اداری روز سه‌شنبه تاریخ ۵۹/۶/۴ با اداره دبیرخانه واقع در طبقه اول اطاق شماره ۱۲۹ تسلیم و رسید دریافت نمایند. پیشنهادات واصله در ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۵۹/۶/۵ با حضور اعضا کمیسیون مناقصه باز و قرائت خواهد شد وصول پیشنهادات دلیل براطلاع کامل پیشنهاد - دهنده از کلیه شرایط و مشخصات مورد مناقصه خواهد بود. و وزارت بهداری در رد یک یا کلیه پیشنهادات رسیده مجاز میباشد حضور پیشنهاددهندگان در جلسه مناقصه آزاد نخواهد بود.

وزیر بهداری و بهزیستی

۲۴۹۶ آگهی

آکبھی تصویب ترابزنامه و انتخاب بازرس و تعیین روزنامه در شرکت انبارهای عمومی اصفهان (سهامی عام) ثبت شده به شماره ۱۲۸۰ - برابر صورتحصله مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۵۹/۵/۴ ترابزنامه ۱۳۵۸ شرکت نامبرده به تصویب رسید و آقایان فریبرز - فریدفر و حسن جلال‌پور بترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب شدند و روزنامه‌های شرکت و انقلاب اسلامی جهت درج آکبھیهای شرکت تعیین شده است.

مسئول ثبت شرکتهای ثبت منطقه اصفهان عبدالحسین فزوه

روئتوش آکبھی حصر وراثت

باتو سکنه احمدی اهواز شنشنامه ۳۳۸۸ مسجد سلیمان درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و توضیح داده که شورش سهراب کیانی شنشنامه ۱۵۲۵۶ مسجد سلیمان ایذه در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۹ در اهواز اقامتگاه دائمی اش فوت ورثه اش عبارتند از ۱- متقاضی عیال متوفی ۲- علیرضا شنشنامه ۱۷۴ نقت سفید ۳- محمد رضا شنشنامه ۱۲۶۲ مسجد سلیمان ۴- حمید رضا شنشنامه ۳۳۲ راهرمز پسران متوفی ۵- مهرانا شنشنامه ۵۳۴ مسجد سلیمان ۶- فرزند زنده شنشنامه ۲۲۶ راهرمز ۷- پروانه شنشنامه ۱۷۴ راهرمز ۸- فرخنده شنشنامه ۳۲۱۰ مسجد سلیمان ۹- پروین شنشنامه ۱۸۷ مسجد سلیمان دختران متوفی شهرت همگی کیانی ولاغی شریح پرونده ۳۳۵۸۱ مدنی شعبه اول دادگاه صلح اهواز اینک با انجام تشریفات مقدماتی مراتب مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یک مرتبه آکبھی بنماید تا هرکس اعتراضی دارد یا وصیت‌نامه برزاد یا باشد از تاریخ نشر نخستین آکبھی ظرف مدت سه ماه بدادگاه تسلیم نماید والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز رسمی و سری که بعد از این مدت بدادگاه ابراز شود جز رسمی و سری از درجه اعتبار ساقط و بی اثر خواهد بود.

رئیس شعبه اول دادگاه صلح اهواز - عبدالرحیم سمسارزاده

۲۴۳۳/م الف ۳۳۱۸ ش

بازدید استاندار کردستان از سقز

سقز - خبرنگار انقلاب اسلامی - دکتر مهرا با استاندار کردستان پرویز به اتفاق مشاور استادیاری رئیس شهربانی کردستان از شهرستان سقز دیدن کرد و مسائل و مشکلات عمرانی، امنیتی و رفاهی مردم این شهر را مورد بررسی قرار داد.

استاندار کردستان و همراهان پرویز همچنین در آئین نماز جمعه که در مسجد جامع سقز ترتیب یافت شرکت کردند.

دکتر مهرا در این مراسم طی سخنانی به تشریح اقدامات گروهی‌های مسلح غیرقانونی پرداخت و گفت آنان جز خفان و رکود اقتصادی و وحشت برای مردم جزئی به ارمان نیاوردند.

تسلیم

شهادت پرافتخار دبیر متعهد شادروان عباسعلی کیوانی را که در راه تعلیم شاعر اسلامی و اعلا کلمه حق در قوچان جان باخت به بازماندگان تسلیت و شادی روحش را از خدای بزرگ مسئلت مینمایم.

خانواده حیاتبخش - کیانی

پیشتان انقلاب منتشر شد

یک تحول شگرف در تاریخ نویسی زندگینامه بنی‌صدر در بیوگرافی پیشتان انقلاب مقاله انقلاب و ضد انقلاب از دکتر شریعتی سازمانهای حاسوسی در رابطه با ساواک نقش گروهها و شخصیتها در انقلاب و با اضافه دهها مقاله خواندنی همراه با عکسهای رنگی زیبا و استثنائی در کتاب‌فروشیهای روبروی دانشگاه.

۱۱۵۷۴/م الف آکبھی مناقصه شماره ۵۹/۴۲

شرکت مخابرات ایران در نظر دارد تعداد ۱۰۰۰۰۰ حلقه نوار لوله‌ای فارسی تلفنهای بدون کبی و ۲۰۰۰۰ حلقه نوار لوله‌ای فارسی تلفنهای با کبی و ۱۰۰۰۰ حلقه نوار لوله‌ای لاتین تلفنهای با کبی مورد نیاز خود را طبق مفاد شرایط مناقصه مشخصات فنی پیوست طرح قرارداد تحویل انبار شماره ۱۲ واقع در خیابان دکتروعلی شریعتی بالاتر از چهارراه قصر از طریق مناقصه خریداری نماید.

داوطلبان شرکت در مناقصه میتوانند هم‌روزه بجزر ایام تعطیل در ساعات اداری دبیرخانه اداره کل خرید واقع در خیابان دکتر شریعتی بالاتر از چهارراه قصر ساختمان شماره (۵) شرکت مخابرات ایران مراجعه و با گرفتن معرفینامه از اداره کل خرید مبلغ ۵۰۰ ریال بحساب شماره ۹۰۰۰۲ شرکت مخابرات ایران (نزد بانک ملی ایران شعبه مخابرات) واریز و با ارائه رسید اسناد مناقصه را که عبارت از شرایط مناقصه طرح قرارداد و مشخصات فنی میباشد دریافت و با توجه کامل بمندرجات آنها را اضافه نموده و بضمیمه پیشنهاد خود در دو پاکت الف و ب به وصف مشروحه در شرایط مناقصه تا ساعت ۱۳/۳۰ روز شنبه ۵۹/۶/۱۵ دبیرخانه اداره کل خرید اطاق ۲۵۵ شرکت مخابرات ایران بنشانی فوق‌الذکر تسلیم و رسید دریافت دارند. پیشنهادهایی رسیده تا موعد مقرر در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ در اطاق کمیسیون واقع در ساختمان شماره ۵ شرکت مخابرات ایران طبقه دوم اطاق ۲۰۹ باز و خوانده خواهد شد. مدت تحویل کلیه اقلام مورد معامله سه ماه بوده و مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۲۰۵۰۰۰ ریال یا معادل ۵٪ اقلام پیشنهادی میباشد.

حضور پیشنهاددهندگان یا نماینده مجاز آنها با ارائه معرفینامه در کمیسیون آزاد و شرکت مختار ایران در رد یک یا تمام پیشنهادهای رسیده مختار است.

اداره کل خرید شرکت مخابرات ایران

۱۱۵۷۴/م الف آکبھی مناقصه شماره ۵۹/۴۲

شرکت مخابرات ایران در نظر دارد تعداد ۱۰۰۰۰۰ حلقه نوار لوله‌ای فارسی تلفنهای بدون کبی و ۲۰۰۰۰ حلقه نوار لوله‌ای فارسی تلفنهای با کبی و ۱۰۰۰۰ حلقه نوار لوله‌ای لاتین تلفنهای با کبی مورد نیاز خود را طبق مفاد شرایط مناقصه مشخصات فنی پیوست طرح قرارداد تحویل انبار شماره ۱۲ واقع در خیابان دکتروعلی شریعتی بالاتر از چهارراه قصر از طریق مناقصه خریداری نماید.

داوطلبان شرکت در مناقصه میتوانند هم‌روزه بجزر ایام تعطیل در ساعات اداری دبیرخانه اداره کل خرید واقع در خیابان دکتر شریعتی بالاتر از چهارراه قصر ساختمان شماره (۵) شرکت مخابرات ایران مراجعه و با گرفتن معرفینامه از اداره کل خرید مبلغ ۵۰۰ ریال بحساب شماره ۹۰۰۰۲ شرکت مخابرات ایران (نزد بانک ملی ایران شعبه مخابرات) واریز و با ارائه رسید اسناد مناقصه را که عبارت از شرایط مناقصه طرح قرارداد و مشخصات فنی میباشد دریافت و با توجه کامل بمندرجات آنها را اضافه نموده و بضمیمه پیشنهاد خود در دو پاکت الف و ب به وصف مشروحه در شرایط مناقصه تا ساعت ۱۳/۳۰ روز شنبه ۵۹/۶/۱۵ دبیرخانه اداره کل خرید اطاق ۲۵۵ شرکت مخابرات ایران بنشانی فوق‌الذکر تسلیم و رسید دریافت دارند. پیشنهادهایی رسیده تا موعد مقرر در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ در اطاق کمیسیون واقع در ساختمان شماره ۵ شرکت مخابرات ایران طبقه دوم اطاق ۲۰۹ باز و خوانده خواهد شد. مدت تحویل کلیه اقلام مورد معامله سه ماه بوده و مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۲۰۵۰۰۰ ریال یا معادل ۵٪ اقلام پیشنهادی میباشد.

حضور پیشنهاددهندگان یا نماینده مجاز آنها با ارائه معرفینامه در کمیسیون آزاد و شرکت مختار ایران در رد یک یا تمام پیشنهادهای رسیده مختار است.

اداره کل خرید شرکت مخابرات ایران

آکبھی حصر وراثت

آقای حمید رضا نارکی بهیانی فرزند بماعلی شنشنامه ۲۵ صادره اهواز از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که پدرش بنام بماعلی نارکی بهیانی شنشنامه ۲۱۷۶۸ صادره اهواز در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۷ در شهر اهواز اقامتگاه دائمی خود را از دست داده و ورثه آن مرحوم عبارتند از: (عیال متوفی) بنام کوکب حظه ذفرولی شنشنامه شماره ۸۱۱۴ صادره اهواز ۲- حمیدرضا نارکی بهیانی با مشخصات فوق ۳- محمد علی نارکی بهیانی شنشنامه شماره ۵۰۱ اهواز ۴- عبدالرضا نارکی بهیانی شنشنامه شماره ۲۳۶ اهواز ۵- احمد رضا شنشنامه شماره ۲۵۲ اهواز (پسران متوفی) عری نارکی بهیانی شنشنامه شماره ۲۷۱ اهواز ۷- منیره نارکی بهیانی شنشنامه شماره ۲۳۳ اهواز ۸- صفری نارکی بهیانی شنشنامه شماره ۶۵۶۶ اهواز (دختران متوفی) ولاغی

شریح پرونده کلاسه ۲۵۳۰۴۵۸ مدنی شعبه ۴ دادگاه شهرستان اهواز اینک با انجام تشریفات مقدماتی آکبھی مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یکمرتبه آکبھی بنماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه درزاد یا باشد از تاریخ نشر نخستین آکبھی ظرف مدت سه ماه بدادگاه تسلیم نماید والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز رسمی و سری که بعد از این مدت بدادگاه ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بی اثر خواهد بود.

دادرین شعبه ۴ دادگاه صلح اهواز - عسگری

۲۴۱۱/م الف ۳۳۱۸ ش



کارگری - دیمتانی

نگاهی به روستاها
حدود ۲۰ میلیون نفر در روستاها سکونت دارند

تنها یک درصد روستائیان از امکانات بهداشتی و آب لوله کشی استفاده می کنند

وزارت مسکن و شهرسازی طی گزارشی به تشریح وضع روستاها پرداخته و قسمتی از کمبودهای روستاها را بیان کرده است. این وزارتخانه در بررسی از گزارش فوق الذکر به تشریح تصمیمات گرفته شده در زمینه بازسازی روستاها پرداخته است. به امید انجام اقدامات اصولی و موثر در جهت سازندگی روستاها و رفاهی مردم محروم از وضعیت نامطلوب کنونی گزارشی را برای اطلاع خوانندگان اجاب می کنیم لازم به تذکر است که به علت نبودن منابع اطلاعاتی در این گزارش تقریبی است.

روستاها با کمبود تقریبی یک میلیون واحد مسکونی مواجه هستند

برابر بررسهای انجام شده، نمودار آماری تعداد واحدهای مسکونی در روستاها کمی بالاتر از ۵ میلیون را نشان میدهد. این تعداد، با توجه به کل جمعیت روستا که حدود بیست میلیون است، تریس کمترین کمبود تقریبی یک میلیون واحد مسکونی است که این رقم خیلی بیشتر از تمام ناحیه‌های مورد قبول سازمانهای بررسی و مربوطه جهانی است.

حال اگر بخواهیم واحدهای مسکونی نامطمئن موجود را، اگر نه همه اما بیشترشان را، هیچ بدانیم و تعداد آنها را به تعداد کمبود اضافه نماییم آنوقت به حاصلی میرسیم که حیرت انگیز و موعوب است.

شاید بتوان گفت که دلپره رویارویی با چنین حاصلی خود نیز از عوامل موثر در واپس‌زدگی یا غیرمقاوم بودن در مواجهه با صورت مسئله و عدم اقدام در جهت حل آن بوده است.

دلیل این وضعیت، موقعیتی است که برای بخش عمده روستائیان وجود دارد. معیشت و اعیال بیاداشتی آنها، بکار ساخت و بازسازی واحدهای مسکونی روستایی برسد تا شاید در فاصله زمانی بین ده تا بیست سال آینده در دایره آنچه که مورد خواست و منظور نظر است گام گذاریم.

علاوه بر این، روستائیان مسکونی در روستا از مصالح نامطمئن ساختمانی مثل: خشت و گل، خشت و جوب، جوب و بونال، جوب و حصیر و مشابه آن عدم استفاده از مصالح مدرن و استفاده از مصالح نامطمئن ساختمانی که در گذشته و گویای مفهوم نامطمئن به‌طور کامل است، برابر است با دلشوره هیبتی انسان روستایی.

کفایت آسایش رفاهی چنین خانه‌هایی بگونه‌ای است که از حد نامناسب خیلی کمتر و از خط قابل قبول بسی پایین‌تر است.

استفاده کمبودگان از امکانات و وسایل بهداشتی کمتر از ۱ درصد است. استفاده کمبودگان از آب لوله‌کشی نزدیک به ۱ درصد است. استفاده کمبودگان از برق حدود ۴ درصد است. جیبی است که روستا سرزمین گاز و مولد ثروت‌ها، خود باید در انتظار فقر، بی‌وسه بسوزد و بسازد.

تعیین اعتبار و تنظیم بودجه‌های لازم برای ساخت واحدهای مسکونی مطمئن و بازسازی واحدهای غیر سالم کنونی. گسیل کارشناسان برای بررسی وضعیت سکونت در روستا با توجه به شرایط: اجتماعی، انقبسی، و سنتی هر منطقه و تعیین اولویتها.

بنیاد مسکن در تهران زمین واگذار نمی‌کند

روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران دیروز اعلام کرد: با وجودیکه "گرا" با اطلاع عموم مخصوص هومطان عزیز شهرستانی ساکن تهران رسانیده‌ام که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در تهران زمین واگذار میکند و خانه نیز برای کسی نمسازد منافسه

ظرفیت بعضی از کارخانه‌های روغن نباتی بعلت مشکلات موجود تقلیل یافته است

ضمن تماس خبرنگار ما با شرکت خدمات بازرگانی و توزیع مدیر کل این شرکت در مورد روغن نباتی گفت: در حال حاضر بعلت مشکلاتی از قبیل مسائل مربوط به برق، گرفتاریهای کارگری، مسائل سیاسی و انگلانی که در حمل و نقل وجود دارد و همچنین به علت زیاد بودن روغن و عدم جرای کافی ظرفیت کارخانه‌ها را به ۵۰ درصد تقلیل داده‌ام (البته این مسئله برای تمام کارخانه‌ها عمومیت ندارد) و سعی برای همس تا با رفع مشکلات ظرفیت را به ۱۰۰٪ برسانیم.

وزیر صنایع و معادن: اهم مشکلات در صنایع و معادن تراکم کارمند، وجود لوائح و قوانین دست و پاگیر و غیر اسلامی است

دکتر محمود احمدزاده وزیر صنایع و معادن دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی فعالیت و عملکرد این وزارتخانه را برای خبرنگاران تشریح کرد. وزیر صنایع و معادن در ابتدای سخنانش گفت: پس از پیروزی انقلاب این وزارتخانه با مشکلاتی مواجه بود. اول مشکلات مربوط به داخل وزارتخانه دوم مشکلات مربوط به خارج وزارتخانه. اهم مشکلات داخلی بطور خلاصه عبارت بود از تراکم کارمند وجود لوائح و قوانین دست و پاگیر و غیر اسلامی وجود تکلیفات غیرضی و طول و تراکم کار در نتیجه: اعتصاب کارکنان وی ادامه داد: مشکلات خارجی مربوط میشد به تعطیل کارخانجات و معادن بدلیل اعتصاب کارکنان، فرار مدیران مدرسه جدید انتخاب شده است صما" بررسی لازم جهت انحلال و واگذاری و با اقدام ۸۲ شرکت از ۱۲۷ شرکت نیز در این مدت بعمل آمده است. در مورد شرکت ملی صنایع مس قرارداد با شرکت آمریکائی اتانوکندا لغو بویجای آنها از مهندسی ایرانی استفاده شده است.

وی در مورد تجدیدنظر در قراردادهای خارجی اظهار داشت: نمای شرکتها و سازمانهای وابسته در قراردادهای خارجی تجدیدنظر نموده و در اکثر موارد کارشناسان داخلی استفاده می‌نمایند و در مورد طرحها باید گفت که تمامی طرحهای موجود را مورد بررسی و تجدیدنظر قرارداده و در بعضی موارد تغییرات کلی در طرح داده و حتی در مواردی طرح را یکدل درود اعلام داشته‌ام

از مجموع ۱۸۸۳/۲ میلیارد ریال سرمایه کل بخش صنعتی در پایان سال ۱۳۵۸ حدود ۷۰۷ درصد آن در مالکیت بخش عمومی درآمده است

وی اضافه کرد: بطور خلاصه از مجموع ۱۷۸۳/۲ میلیارد ریال سرمایه کل بخش صنعتی کشور در پایان سال ۱۳۵۸ حدود ۷۰/۷ درصد آن در مالکیت بخش عمومی درآمده است. وی افزود: علاوه بر موارد ذکر شده در وزارت صنایع و معادن و معادن راجحک دادستانی انقلاب با بعلت فراز و پاید عدم توانایی مدیران ریویزتر گرفته برای آنها مدیری کار کرده است که تعداد اس واحدها به حدود ۴۵ واحد رسیده است. به بطور متوسط برای هر واحد بین ۳ تا ۷ نفر بحدود هیئت مدیره تعیین شده است که حداقل تا بحال حدود ۱۲۰۰ نفر بحدود مدیری کار کرده‌اند.

وزیر صنایع و معادن درباره ارگانهایی وابسته به این وزارتخانه اضافه نمود: ۱۳ سازمان که ارگان وابسته به این وزارت هستند کتاکان به فعالیت خود ادامه داده‌اند و در بعضی از آنها معیارات اساسی داده شده است بعموان مثال شرکت ملی دوسه‌های با شرکت

مشکل مسکن و نقش مطبوعات

از آغاز انقلاب تاکنون مسکن هواره‌بمعنوان یکی از اساسی‌ترین کمبودها در جامعه ما مطرح بوده و هم‌اکنون نیز مورد توجه خاص غیرمنتظنی استفاده کرده و هنگام نقل احبار مربوط به مسکن گاهی اوقات از عبارات نادرست استفاده کرده و تیر اول روزنامه را به آن اختصاص می‌دهند و بعد روزنامه‌های دیگر وقتی مطلب صحیح (واقعی) را چاپ می‌کنند مردم نمی‌دانند کدام حرف را قبول و تظریروین تنها به پخش اخبار و اطلاعاتیه‌های صادره از روابط عمومی وزارت مسکن و شهرسازی و موسسات و سازمانهای ذیربط دیگر اکتفا می‌نمایند. اما مطبوعات مسئولیت سنگینی در این میان بعهده دارند و موظفند این "مردم را در جریان وقایع "کاملا" در جریان بگذارند. در مورد مسکن نیز مانند سایر مسائل مهم یک برنامه‌ریزی اصولی و صحیح وجود نداشت و تاکنون تصمیمات متعددی توسط افراد و پسا سازمانهای مختلف در مورد این مسئله اتخاذ شده که در بعضی از موارد در اثر داخل و ظالشف موجب ایجاد مضلاتی شد که اسباب بلاتکلیفی متقاضیان را فراهم ساخت بصورتی که مردم "اصولا" نمی‌دانند باید بسرای رسیدگی به امورشان به کدام داشته باشند و اصابت را با اطلاع مردم رسانند تا از این طریق سهمی در حل مشکلات و رفع معضلات داشته باشند.

گزارشی از صف طویل مسافرین در ایستگاه راه آهن

مسئول حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد. مسؤل حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد.

اقداماتی که در زمان تصدی احمدزاده بعمل آمده است

- ۱- تجدیدنظر در قراردادهای خارجی از کارشناسان داخلی استفاده می‌نمایند و در مورد طرحها باید گفت که تمامی طرحهای موجود را مورد بررسی و تجدیدنظر قرارداده و در بعضی موارد تغییرات کلی در طرح داده و حتی در مواردی طرح را یکدل درود اعلام داشته‌ام
- ۲- معادن و صنایع مسکن ملی شده و بنام شرکت ملی فولاد این شرکت علاوه بر بگیری مداوم جهت تداوم کار و تولیدات خود برای برآوردن طرحهای نیمه‌تمام نیز در تلاش بوده و این طرحها را با بودجه ریویزتر قرارداده که در بعضی از اقدام به اقدام آنها بوده است. وی در مورد سازمان گسترش و توسعه اظهار داشت: این سازمان که ۱۲۷ شرکت تابعه با ۱۷۰ میلیارد ریال سرمایه و ۴۰ هزار پرسنل داشته است و پس از پیروزی انقلاب تقریباً همه کارخانجات تابعه تعطیل بودماند. بازگشتی و رامه اندازی شده و تمام مدیران قبلی شرکتها اخراج و بجای آنها هیات مدیره جدید انتخاب شده است صما" بررسی لازم جهت انحلال و واگذاری و با اقدام ۸۲ شرکت از ۱۲۷ شرکت نیز در این مدت بعمل آمده است. در مورد شرکت ملی صنایع مس قرارداد با شرکت آمریکائی اتانوکندا لغو بویجای آنها از مهندسی ایرانی استفاده شده است.
- ۳- خروج کارشناسان خارجی و برآوردن کارخانجات شرکت ملی اکریل و احبار "جوکار" را بعموان نام برد.
- ۴- تهیه مواد اولیه از داخل و کشورهای دیگر بطوریکه طبق آمار صحیح در سال ۵۸ متوسط تولید ۸۰ درصد نسبت به سال ۵۶ بوده است.
- ۵- بررسی و تجدیدنظر در کلیه قراردادهای خارجی

به رانندگان بیکار کامیون واگذار میشود

صبح دیروز تعداد زیادی از رانندگان بیکار به خانه کارگر مراجعه و در مورد تحویل کامیونها پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند در این مورد رئیس سندیکای رانندگان کامیونهای سبک و سنگین استان تهران در گفتگو با خبرنگاری پارس اظهار داشت: بعد از هجده ماه بیکاری هفته گذشته جلساتی با ریاست جمهوری داشتیم که موافقت شد وزارت بازرگانی کارهای مربوط به تحویل کامیون به رانندگان بیکار را به عهده گرفته و اقدام نماید. وی گفت تعداد ۸۰۰۰ دستگاه کامیون تریلی کاننیز و کفی که بعضی از آنها نمره شده است و منتقل به سرمایه‌داران فراری و غلاظت‌سرا پهلوی بود وسیله رانندگان کشف گردید. وی افزود سال گذشته ۲۲۹ دستگاه از کامیونهای مستقر در ایرین جهت سهمیه تهران در نظر گرفته شد که ۲۱۱ دستگاه

مسئول حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد.

مسئول حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد.

مسئول حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد.

مسئول حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد.

مسئول حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد.

مسئول حفاظتی راه آهن در پاسخ به اینکه افرادی هستند که مسافرت را برای خرید بلیط در صف ایستاده‌اند اما مقامات راه آهن حد اکثری فالت خود را برای رفا مسافرین انجام داده‌اند و خواهند داد.

شماره تلفنهای اطلاعات راه آهن

روابط عمومی راه آهن دولتی ایران اطلاع داد شماره‌های تلفن اطلاعات راه آهن دولتی ایران تغییر یافته و عموم مردم میتوانند ضمن تماس شماره‌های ۵۵۶۱۱۴ اطلاعات لازم را درباره برنامه حرکت قطارهای مسافری و سایر موارد کسب کنند.

بخش اقتصادی ۳۲۸۵۴۵

اعتبار ۲۰۰ میلیون دلار بانکهای آمریکائی به پاکستان

خبرگزاری پارس به نقل از یونا-پند پریس از لندن - سخنگوی بانک آمریکا گفت دولت پاکستان در لندن در موافقتنامه‌ای را جهت دریافت وام مبلغ ۲۰۰ میلیون بود اما این مبلغ بیش از حدی بود که طبق شرایط بازار پاکستان میبایست دریافت کند. قرار است اعتبار فوق صرف وارد کردن کالاهای مختلف شامل کود شیمیائی کدوم روغن خوراکی



سخنان امام در اجتماع قضات

بسم الله الرحمن الرحيم.
من باید به ملت ایران تبریک عرض کنم که بعد از این قوای تلافیه که اساس یک کشور از خودشان است و از متن جامعه است و از اشخاص طاسغوتی و منحرفین نیستند و از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را میخواهم در اینکه همه خدمتگزار به اسلام باشیم و با جدیدیت و کوشش همه این نهضت اسلامی به پیش بروند و حکومت عدل الهی مستقر شود بجای حکومت طاغوتی. شما همه میدانید و ملت میدانند که این سه قوای که در زمان طاغوت بود نمیشود گفت کدام خوبتر از کدام بودند. قوه مقننه ما بدست اشخاصی افتاده بود که به اعتراض شاه مخلوع از طرف سفارتخانه تعیین میشدند و ملزم بودند آنها که همان ها را قوه مقننه بر سر ملت ما روشن میسازد.

وقتی ایستگی که امریکا بدهد و نوگر او اجرا کند بهتر از این مجلسی که ما داشتیم و بهتر از سناتی که ما داشتیم یعنی آنها داشتند نخواهد بود. آنها در طول مدتی که متصدی بودند هیچ گاه قدمی برای خدا بردار نداشتند. اگر اینها برای خدا میخواستند قدم بردارند حتماً نه امریکا آنها را پیش نهاد میکرد و نه شاه مخلوع آنها را تعیین میکرد. ما از همان حرف شاه مخلوع سند اتخاذ میکنیم که این قوه مقننه چه جور اشخاصی بودند. قوه مجریه هم که همه میدانند که چه جنایتهایی در این کشور مرتکب شدند و خود آن مرد که یک مقام غیر مسئول به حسب اصطلاح آنها بر سر آمده داشت در راس همه جنایتکارها بود. جنایتکارها همه الهام از او و او سهام از اجناسب میگردید.

قوه قضائیه که در اسلام اقتدر در آن اهتمام شده است و حکم را بر نی و با مویسی نبی نباید متصدی شود و اگر غیر نبی و وصی سفارش شده از طرف نبی اگر کم باشد آن ثالث میشود که قوه قضائیه ما هم بدست اشخاصی افتاد که من گمان نمیکند در تمام افرادی که متصدی قضا یک نفرشان صالح باشد. اگر گفته میشود که در این اشخاص اشخاصی بودند که مثل یک قدری مستعدین بودند لکن صلاحیت برای قضا غیرتین است. امر مهمی است که شاید در اسلام کمتر چیزی مثل قوه قضائیه مورد توجه بوده است و نکاتش هم معلوم است.

برای اینکه در دست قوه قضائیه همه چیز ملت است. جان مردم است. مال مردم است. نوامیس مردم است همه در تحت سیطره قوه قضائیه است و قاضی اگر چنانچه خدای نخواستد نالایق و ناصحیح باشد این در اعراض و نفوس مردم سلطه پیدا میکند معلوم است که چه خواهد شد.

از این جهت من به ملت ایران تبریک میگویم که در این زمان نه قوه مقننه یک قوای است که نسبتش را داده باشند و کسی آنها را تعیین کرده باشد، خود آنها منتخب از طرف ملت هستند و ملت بدون اینکه کسی تحمیل به آنها بکند آنها را تعیین کرده است و هر کدام هم که ناصحیح بودند خود مجلس کنار گذاشته است. بنابراین قوه مقننه ما قوای است که صالح است و اکثر افرادش متعهد هستند و همهشان هم از همین جمعیت هستند و از آن کاخ نشینها نیستند.

قوه قضائیه هم معلوم است که یکنفر از آن اشخاصی که طاغوتی باشند در اینها نیست و همه اهل علم است. امرامش گردانده و در متن جامعه بپوشانده و از

اشخاص مومنی بودند که کارفرما بودند در جایی و این طور کلیش را آدم بگوید که آنوقتی که زمان طاغوت بود بگویند که ما در خدمت طاغوت واقع نمیشویم حالا هم که زمانالله است بگویند که ما در خدمت وقت نمیشویم، این کج فیهی است. اگر چنانچه قضا متلاً در قوه قضائیه کم بودی بود و بس.

اظهار کردند وقتی به مقدار کفایت نباشد واجب است بر او که تصدی بکند و قضاوت نکند. نباید بگویند که حالا که قضاوت است ما در خدمت دولت واقع نمیشویم. خدمت دولت؟ این خدمت خداست. الان دولت دولت الهی است و خدمت به الله است نه خدمت به طاغوت است بنابراین نباید قضاوتی از آقایان تهاشی کنند از اینکه ما در استخدام دولت واقع نمیشویم، این استخدام اسلام است. دولت خودش اسلامی است نه اینست که خودشان مستقل است. آنها خدمتگذار اسلام هستند، همه خدمتگذار اسلام هستیم و البته باید همواره همه امور بر نظام و نظم باشد. وقتی که پایه امور بر نظم نباشد و حفظ نظم از واجبات الهی است باید در قوه قضائیه هم این نظم محفوظ باشد یعنی اینطور نباشد که قاضی بکروز بخواهد بیاید و بکروز هم دولت نخواهد نیاید. این یا باید در استخدام الله برآید و وظیفه شرعی الهی بداند که باید روی موازینی که هست، ساعتی که تعیین شده است برای کار بکند و اگر چنانچه قبول بکند یا اصلش تصدی نکند یا ملزم بداند به الزام شرعی که اگر بماند از حفظ کند. اگر بخواهد وارد بشود و بسی نظم باشد، من بگویم تمام نخواهد بیاید، الزامی که ندارد نمیخواهد بیاید، یک همچنین آدمی اصلاً از اول وارد نشود اگر چنانچه میسازد روی موازینی که تعیین میشود و شورای قضائیه تعیین میکند عمل کند ملتزم به این باشد که این عمل تا آخر روی موازین باشد و هر روز هم خودش را عاجز از این ذاتی خوب برود پیش شورا و استقفا بدهد امر متصدی باشد و بسی نظم متصدی باشد، این هیچ نیست، نباید یک مملکتی همه چیزش نظام داشته باشد، همطوریکه اگر در شهربانی بخواهند اینهایی که پاسبان هستند بگویند که امروز ما نمیخواهیم نیاییم، امروز میلان کشیده است که منزل باشیم این نمیشود. و این پاسبان نمیشود و این شهربانی هم نمیشود.

رو سراسر ادارات هم یک نمیخواهم بیایم این اشخاصی نیست کسیکه یک امری را تصدیق بکند یا نظام را حفظ کند. آقایان هم که از همه خداوند تبارک و تعالی شما را موق بکند. هم جهات شرعی که عرض کردم آن جهات دیگر هم شرعی است.

منتهی در متن است که راجع حکم و عدالت انشالله موقوف باشید و هم راجع به نظم و اینکه روی یک موازین باشد و شوری قضا اگر یک چیزی را گفت شما موق بکند. هم جهات شرعی که عرض کردم آن جهات دیگر هم شرعی است.

منتهی در متن است که راجع حکم و عدالت انشالله موقوف باشید و هم راجع به نظم و اینکه روی یک موازین باشد و شوری قضا اگر یک چیزی را گفت شما موق بکند. هم جهات شرعی که عرض کردم آن جهات دیگر هم شرعی است.

منتهی در متن است که راجع حکم و عدالت انشالله موقوف باشید و هم راجع به نظم و اینکه روی یک موازین باشد و شوری قضا اگر یک چیزی را گفت شما موق بکند. هم جهات شرعی که عرض کردم آن جهات دیگر هم شرعی است.

محاکمه متهمین به قتل استاد نجات الهی

بکند به کار دیگری هم بخواهد دخالت بکند یک کاری که مربوط به او نیست دخالت نکند این قاضی است بخواهد قوه مجریه هم خودش باشد قوه مجریه است بخواهد قاضی هم خودش باشد این قوا که هست

قضا می کنید و احقاق حق می خواهید بکنید این یکی از موق و موقد باشید همه ما موق باشیم به اینکه خدمت نکنیم مملکت ما احتیاج مبرم به خدمت دارد، احتیاج مبرم به نظام دارد، بعد از انقلاب است انقلاب البته یک مسائلی در آن هست لکن بعد از این که همه ارگان تمام شد با کمک همه ما کمک هم انشالله این بار بمنزل برسانیم و اینطور نباشد که در خارج بماند بگویند که اینجا هر چه در ایران هست در ایران دیگر نمیشود وجه. این حرفهایی که میزند لاف الهی بدست آنها ندهیم و هر کسی کاری را متصدی است آنرا خوب انجام بدهد شما کار نگار کنید باید که یک قاضی فلاں عمل را کرده یا یک قاضی در کجا شما کارتان این باشد که این کاری که خود شما می کنید این خوب باشد اگر تعالی و در نامه اعمال شما ثبت شود که دستشان هست بنا بگذارند خوب انجام بدهند این مملکت را مملکت الهی میشود و اگر بنا باشد که این کار خودش

بکند به کار دیگری هم بخواهد دخالت بکند یک کاری که مربوط به او نیست دخالت نکند این قاضی است بخواهد قوه مجریه هم خودش باشد قوه مجریه است بخواهد قاضی هم خودش باشد این قوا که هست

قضا می کنید و احقاق حق می خواهید بکنید این یکی از موق و موقد باشید همه ما موق باشیم به اینکه خدمت نکنیم مملکت ما احتیاج مبرم به خدمت دارد، احتیاج مبرم به نظام دارد، بعد از انقلاب است انقلاب البته یک مسائلی در آن هست لکن بعد از این که همه ارگان تمام شد با کمک همه ما کمک هم انشالله این بار بمنزل برسانیم و اینطور نباشد که در خارج بماند بگویند که اینجا هر چه در ایران هست در ایران دیگر نمیشود وجه. این حرفهایی که میزند لاف الهی بدست آنها ندهیم و هر کسی کاری را متصدی است آنرا خوب انجام بدهد شما کار نگار کنید باید که یک قاضی فلاں عمل را کرده یا یک قاضی در کجا شما کارتان این باشد که این کاری که خود شما می کنید این خوب باشد اگر تعالی و در نامه اعمال شما ثبت شود که دستشان هست بنا بگذارند خوب انجام بدهند این مملکت را مملکت الهی میشود و اگر بنا باشد که این کار خودش

بنا به گزارش رسیده شمع اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز ساعت ده و سی دقیقه دیروز برای رسیدگی به پرونده متهمان قتل استاد شهید گامران نجات الهی تشکیل جلسه داد. متهمان عبارتند از محمدحسین شمس - الدین مفیدی وزیر علوم و آموزش عالی کابینه ازهارزی، فرامرز نودری بقا، سرلشکر بازنشسته، حسن شاه بیگی سرهنگ بازنشسته ابوالحسن گلنار افسر وظیفه. این محاکمه با حضور خانواده شهید و همچنین جمعی از استادان دانشگاه برگزار شد. دادگاه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید رسیت یافت. آنگاه آیت الله محمدی گلپایگانی حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب آیات حاضر شده را ترجمه و تفسیر نمود. سپس نماینده دادستان از کفرخواست علیه حسن شاه بیگی افسر بازنشسته شهربانی و رئیس حفاظت وزارت علوم و آموزش عالی دفاع کرد و یادآوری کرد که وی متهم به ارتداد ضرب و جرح و سلب امنیت از استادان دانشگاه در دیماه سال ۱۳۵۷ و هجوم مسلحانه به وزارت علوم است. نماینده دادستان پس از دفاع از کفرخواست علیه سرلشکر بازنشسته نودری بقا

در تصادق اتومبیل ۷ پاسدار شهید و مجروح شدن

پاوه - دیروز یک اتومبیل یکسان با هفت نفر از پاسداران انقلاب اسلامی که از تهران عازم جرجان با هلیکوپتر به بیمارستان تصادف شد و سه تن از پاسداران شهید و چهار تن دیگر مجروح

مردم مشهد یاد شهدای پاوه را گرامی داشتند

سختس - اداره اسلامی - اطلاعیه پذیرش افراد لیب فوق بدینم با به عنوان معلم تعداد ۱۰۰۰ نفر کردند و روز ۱ طبق اطلاعیه برای مصاحبه شدند. اما گروه آموزش و پرورش نشنند منابع در این رابطه سوای های بکار اطلاق که طی آن مصاحبه و حکم و مکتبی نبودند در صورت پرورش هر دو از ضوابط استخ

مشاور فرهنگی و مطبوعاتی

رئیس جمهور مشکلات مردم یزد را مورد بررسی قرار داد

موسوی کرمانی مشاور فرهنگی و مطبوعاتی رئیس جمهور که برای بررسی مسائل و مشکلات استان یزد باین استان سفر کرده بود عصر دیروز به تهران بازگشت. وی در این سفر علاوه بر ملاقات با استاندار یزد و سایر مسئولان استان دعوت آیت الله صدوقی در مراسم نماز جمعه شرکت کرد و قبل از آغاز نماز جمعه بسیاری

اساس

همین نسل اگر خدا را بشناسد و جهان را بفهمد ارزشهای عظیم الهی را که خدا در متن اراده شان نهاده است کشف کند، در همین نسل بر جهان حاکم خواهد شد و بر مسیر تغییر و تعیین سرنوشت جهان بعنوان یک علت تعیین کننده حاضر در خواهد آمد. "قاصیر" مقاومت کن، تحمل کن، وعده خدا راست است، کسانیکه یقین ندارند تو را ست نکند.

موقعیت زمانی خود را شناختیم. شباهت آنرا با زمان پیامبر (ص) دیدیم و دانستیم که جهان آماده پذیرش اسلام انقلاب جهانی است و ما وارث رسالت پیامبریم و وظیفه ما ایجاد حکومت جهانی اسلامی است.

هر لغزش کوچکی از فرد فرد ما بر تاریخ تاثیر مستقیم دارد و بدنبال آن مسئولیتی بزرگ. آیا مسئولیت تمام انحرافات، کشتارها، جنایات ۱۴۰۰ ساله بر عهده کسانی نیست که در راه انقلاب اسلامی پیامبر و علی و سایر ائمه کارشکنی کردند؟ و اسلام را، فدای خودخواهیها، دنیا - پرستی ها، فدرت طلبی ها کردند؟

اکنون برای آنچه تاریخ تکرار نشود و اینبار حکومت جهانی اسلامی تحقق یابد، بایست فرد فرد ما، منافع شخصی، راحت طلبی، پول پرستی، قدرت طلبی و گروه گرایی را کنار بگذاریم. و در کنار هم با اخوت اسلامی گرد هم جمع شویم، اشتباهات خود را ببپذیریم، اختلافات را رفع کنیم و همه با هم در یک جبهه واحد بصورت امت واحد در راه خدا گام برداریم و با توکل به خدا استفاده از رهبری امام خمینی در راه پیروزی این انقلاب بکوشیم. که اگر خدا را یاری کنیم، یاری خدا با ماست و خدا تنها جاهدان جهاد یکبارگی خود، این لیاقت را نشان دهیم. تا در پیشگاه خداوند سرفراز باشیم که دنیا و آنچه در آن است همه نابود شدنی است و آنچه باقی میماند، نتیجه اعمالی است که در نزد خداست.

از برادر عزیزمان آقای بنی صدر میخواهم، چنانچه خودشان نیز به ضرورت وجود جبهه واحد اسلامی پی برده اند، با یاری امام این جهاد را تشکیل دهند تا در آن همه مسلمانان گرد هم جمع شوند و اختلافات خود را رفع کنند که این امر نه تنها برای حفظ و ادامه انقلاب ضروری است بلکه برای معرفی هر چه بهتر اسلام راستین به جهان آماده پذیرش آن کاملاً لازم است.

با دورد به روان پاک همه شهیدان راه انبیا - و یا امید توفیق هر چه بیشتر برای امام خمینی و همه کسانیکه در راه پیروزی اسلام گام بر میدارند. والسلام.

هشدار

بسی میتوانیم معتقد باشیم که امروز، دوره علم پرستی دارد تمام میشود، به این دلیل که نوانب امروز، اعتقاد به یک معنویت بزرگ، به یک روح بزرگ در عالم و یک عقل بزرگ عالی و همچنین نیاز انسان را به پرستش اعلام کرده اند. علی در دوره جدید که در دنیا شروع میشود، تحصیل کرده های دوره آینده مکتبشان مذهبی خواهد بود، اما نه مذهبی مادون علم بلکه مذهبی فوق علم.

پس دریافتیم که جامعه اروپایی و آمریکایی و روسی، کم کم آماده پذیرش یک معنویت بزرگ و یک مذهب فوق علمی میشود و اگر ما بتوانیم مکتبمان را به دنیا عرضه کنیم، دنیا آمادگی پذیرش آنرا دارد و اگر عرضه نکنیم در مقابل همه آن جویندگان راه حقیقت که به گمراهی میروند مسئولیم.

بگردیم به سوره روم: ولقد ضربنا للناس فی هذا القرآن مَثَلًا ما برای مردم، مردم همه زمانها، در این قرآن مثالهایی زدیم، حجتها و دلیلها آوردیم و در این کتاب همه نمونهها را مثالها برای هر وضعی، هر جریانی، هر حقیقتی آوردیم. راه روشن شده و مسئولیتها مشخص گردیده است.

ایمان و امید بر اساس نظام کائنات، مطالعه نظام طبیعت، مطالعه تاریخ، سرنوشت قدرتهای جهان، قدرتهایی که خیال میکردند جاودان و بی مرگند، پیروزی گروههای ضعیفی که فکر میکردند باید همیشه اسیرو و مظلوم بمانند و امید برای نجات خویش نداشتند. همه این آگاهیها را دادیم، کسانیکه بجای اینکه تحت تاثیر این قدرتها، جبهه گیریها و ضعفها و قنایسه و ارزیابی ظاهر دنیا و تکیه کردن به قدرتهای مدعی چندروزه که شمارهای بسیار بزرگ برای انسانیت و بشریت میدهند، قرار میگیرند و گول وضع موجود را میخورند که خود هیچ کارهای و آنها همکاره، بجای اینها، برگرد به دین استوار، به منشأ قدرت، به اینکه خداوند همه چیز را به حق آفریده و آغاز کرده و هر قدرتی پایانی دارد و هر سستی مرگی. جهان بینی ات را گسترده کن، زمان تاریخی را تمام زمین را بگرد، همه زمانها را سمر کن و ببین که ستمکاران خرابههایی برای درس گرفتن شما گذاشته اند و نیز ببین که چه گروههای اندکی بودند که بر اقویا پیروز شدند و آنگاه به خود برگرد. به قدرت الهی خود برگرد و مطمئن باش که شرق همچون گرگی هار و غرب همچون سگی هار آنچنان درون استعمار کردن و جنگیدن دارند و این نتیجه ای جز اینکه از درون به فساد گرایش پیدا کنند ندارد و یک گروه کوچک و ضعیف و ناتوان، در



بقیه سرمقاله

غول آمریکا را به زانو درآورد. اما راهی که امام در پی اسلام عرضه داشت در مدت کمتر و تلفاتی به مراتب نیز کمتر انقلاب به چنان پیروزی دست یافت که ابرقدرت آمریکا نیز نتوانست شکست خود را عیان نسازد و عنوان گردنکده آمریکا بعد از جنگ بین الملل دوم بدین سو به چنان فضاحتی دچار نشده بود که انقلاب اسلامی ایران او را دچار ساخت.

گرچه انقلاب اسلامی ایران سازمان سیاسی - نظامی نداشت اما در پرتو اسلام

به چنان وحدتی عظیم دست یافت که در تاریخ ایران و جهان کم نظیر بوده است. انقلابی است که دارای آن چنان سازمان متشکل سیاسی - نظامی بوده اند، نتوانسته اند که همگی یک ملتی را به مبارزه بکشند که انقلاب اسلامی به آن سرانجام بخشید. حتی بعضی از سازمانهای سیاسی - نظامی در ایران و خارج از ایران نیز برای اینکه بتوانند همه را مبارزه آزادی بخش فرا بخوانند دست به ساختن یک ایدئولوژی التقاطی زدند که مورد قبول همه گروهها و طرز فکرها باشد و بتواند همه را بدور محور آن جمع کند و همان ایدئولوژی التقاطی نیز بدلیل همان التقاط، شکست آنها را فراهم آورده و میآورد.

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی است که براساس مکتب اسلام حرکت کرد و وحدتی را که مسلمین فقط در ایام حج در مکه می بینند که هرکس در جمع فانی میشود، در طول انقلاب در ایران بخود دیدند، دیدند که چگونه تمامی یک ملت مسلمان در دریای انقلاب غوطه خورد و "منی" در کار نیست و هرچه هست "ما" است. انقلابهای دیگر بعضا مکتبی بوده است اما هیچ انقلابی به زلالتی و خالصی که انقلاب اسلامی ایران به آن تکیه داشت، تکیه نداشته اند. بعضی از انقلابها که اصلا بر مکتبی استوار نبوده است، آنها نیز که اصول راهنماییشان مکتبی بوده آشکارا در سایه آن مکتب همه را به وحدت دعوت نمی کردند. حتی انقلاب ویتنام که ایدئولوژی راهنماییشان مارکسیسم بود اما با این ایدئولوژی همه را بمیدان فرا نمی خواند بلکه براساس منافع ملی و گروهی و تشکیل جبهه ای از تمامی آنها سعی بمبارزه کشیدنشان را میکرد، برنامه ای که برای عمل، انقلاب ویتنام ارائه داده است بیان این مطلب است.

شعار اصلی انقلاب اسلامی ایران: آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی بود، گرچه شعار آزادی و استقلال قبلا برای انقلابیون مطرح بوده اما به صافی و روشنی که اسلام بر آن داده نبوده است. آزادی و استقلال که مطرح بود براساس موازنه مثبت قوا و اینکه به کدام قطب تمایل دارند بود ولی آزادی و استقلالی که انقلاب اسلامی ایران مطرح کرد اولاً برپایه موازنه منفی استوار بود یعنی خدا را پایه و اساس قرارداد و ثانیاً برپایش وابستگی، اعم از شرق و یا غرب خط بطلان کشید و اصل را تکیه بر خویش قرارداد و ثابت کرد که آزادی و استقلال با وابستگی غیرممکن است.

انقلاب اسلامی ایران پرده فریب را بخصوص از ملت مسلمان عرب درید و نشان داد تا ملت عرب خود را از شر این رژیمها آزاد نکند، نمی تواند با اسرائیل وارد یک نبرد سرانجام بخش شود. پیروزی اعراب در جنگ با اسرائیل در گرو این است که ملت های مسلمان عرب خود را از یوغ رژیمهای خود آزادکنند. وقتی که اسلحه را در چشم مردم خدا کرده بودند و نقش خدائی را به آن داده بودند، کسانیکه اسلحه نداشتند خود را ناتوان و زبون می پنداشتند. انقلاب ما این بت را شکست و نشان داد که وقتی انسانها بخود آیند و در سایه اسلام گرد آیند، وحدت آنها از هر سلحشی برنده تر است.

- ۱- از نظر تبلیغاتی و آماده ساختن افکار عمومی جهان تا نواخته اند گوشیده اند.
۲- برای شکست آن دست به محاصره اقتصادی زده اند.
۳- از هیچ توطئه برای نابودی آن خودداری نکرده اند و در مدت کمی چندین توطئه خطرناک کشف و خنثی شده است.
۴- در هر نقطه از کشور که نواخته به ازین بردن استقرار حاکمیت دولت دست زده و به کشت و کشتار پرداخته اند.
و چون خدا با این انقلاب اسلامی است، اینستکه واقعه طیس بگونه اصحاب قبل خنثی میشود و وقتی هلی - کوپتر حامل رئیس جمهور و همراهان تقریباً در منطقه خطرناک و نزدیک به دشمن دچار سانحه میشود کوچکترین آسیبی به کسی نمی رسد و خدا باماست.

تلگرام حضرت آیت الله منتظری به رئیس جمهوری

بمناسبت نجات معجزه آسای آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری از سانحه هوایی شب گذشته تلگرافی از طرف حضرت آیت الله العظمی منتظری به شرح زیر به ایشان مخابره شد.

بسمه تعالی جناب مستطاب آقای بنی صدر رئیس جمهور محترم ایران دامه - تم - حسینعلی منتظری

تلگراف آقای رجائی نخست وزیر

این تلگراف از سوی آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر در رابطه با سانحه هوایی جمعه به رئیس جمهوری ارسال شد.

تلگرام شورای عالی قضائی

خبرگزاری پارس - به مناسبت نجات معجزه آسای دکتر ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری از سانحه هوایی شب گذشته از طرف شورای عالی قضائی تلگرافی بشرح زیر بایشان مخابره شد.

اطلاعیه سپاه پاسداران درباره سانحه هوایی

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با سقوط هلیکوپتر حامل ریاست جمهوری و فرماندهان سپاه ارتش و نجات معجزه آسای آن اطلاعیه ای انتشار داد. متن اطلاعیه به این شرح است:

تقاضای دفتر امام از مشتاقان دیدار امام

در رابطه با برنامه ملاقاتهای آروزی سادات و موفقیت همگان دفتر امام حبیبی صادر شد.

دیدار امام جمعه و فرمانده سپاه شیراز با امام

عصر دیروز آیت الله سید عبدالحسین دستغیب امام جمعه شیراز به همراه دکتر خاتمی فرمانده سپاه پاسداران شیراز به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسیدند. امام جمعه شیراز در این دیدار پیرامون مسائل و نیازهای منطقه فارس گزارشی تسلیم امام کرد.

مجلس ترحیم

وفات بابوی پرهیزگار و والده مکرمه حضرت جدالاسلام والمسلمین علی اصغر مروارید مجاهد نستوه و شاکرد مکتب امام را به اطلاع عموم مسلمانان میرساند مجلس ختم آن مرحومه در روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر در مسجد ارگ منعقد است مجلس ختم زبانه روز دوشنبه ۵۹/۵/۲۷ از ساعت ۵ الی ۸ بعد از ظهر در منزل حجت الاسلام مروارید منعقد میباید بنیاد انقلاب اسلامی ایران نشانی منزل: آریاشهر - ۲۴ متری خسرو دهمتری ۲۷ پلاک ۹.

مجلس ترحیم

به اطلاع میرساند که روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ ساعت ۷ الی ۹ بعد از ظهر مجلس حبیبی بمناسبت درگذشت والده مکرمه حضرت جدالاسلام مروارید در مسجد ارگ برقرار میباید. امید شرکت طبقات مردم خصوصاً روحانیون را دارد. روابط عمومی جامعه روحانیت مبارز تهران

خلبانان هلیکوپتر ... جزئیات حادثه از زبان یکی از محافظان رئیس جمهوری

بسم الله الرحمن الرحیم قبل از اینکه قضایا را تعریف کنم یک بار دیگر به مناسبت سالگرد نجات آقای بنی صدر برای ملت ایران خدا را شکر می کنم. جریان از این قرار بود که یک ربع پس از پرواز از قصر شریف منوجه شدیم که ارتباط خلبان با زمین دیگر هلیکوپترها قطع شده است. اول فکر میکردیم که یک مشکل کوچک است، او دائماً فریاد میزد و سعی میکرد با زمین تماس بگیرد ولی جواب نمی شنید. در همین حال هلیکوپتر تکناهیایی خفیی می خورد، یک آتادی کوچک را دیدیم و خلبان خواست که در آنجا فرود آید. سرهنگ شیرازی مخالفت کرد و گفت اگر می خواهی بنشین باید دورتر از این جا فرود بیایی. خلبان گفت من عاجزیم که همین جا فرود آیم.

یکی از همراهان از چگونگی سقوط می گوید

مصطفی انظاریون یکی از همراهان رئیس جمهوری جریان واقعه را این چنین برایمان تعریف کرد:

در ساعت حدود ۸ و ۵۵ دقیقه بود که در هنگام فرود سرسبز سوار یک هلی کوپتر که بزین نشست شدیم. در ابتدا ۱۵ نفر سوار شده بودند که خلبان سه نفر را که بنظرش اضافه بودند سوار کرد و ما ۱۲ نفر سوار هلی کوپتر شدیم. البته بسیاری سوار شدند به هلی کوپتر در توفیق سب اطراف ما اظهار نگرانی کردیم ولی ایشان به ما امید داد که نگران نباشید به لطف خدا هیچ اتفاقی پیش نی آید و دیدیم که بحمدالله هیچ اتفاقی نیفتاد و او همراهان سالم به کرمانشاه رسیدند.

توضیح خبرگزاری پارس

سردبیر محترم روزنامه انقلاب اسلامی، محترماً در پاسخ به توضیحی که در صفحه ۱۲ شماره ۳۲۷ مورخ ۲۳ مردادماه آن روزنامه در زمینه حذف دو جمله از پیام امام خمینی در روز قدس مرقوم فرموده اند لطفاً به لحاظ رعایت همکاری پاسخ زیر را درج فرمائید چند ساعت پس از مخابره پیام خبرگزاری پارس به از سیاسی خبرگزاری پارس به از قلم افتادگی جملات یاد شده واقع شد که بنظر نگ ما مخابره توضیحی توجه سردبیران اخبار مطبوعات رادیو تلویزیون و نشرکین خود را به آن جلب کرد قضیه بحدی برای مسئولین این خبرگزاری ایجاد مسئولیت و حساسیت میکرد که این توضیحی دوباره باسلفه هر نیم ساعت مخابره شد و تصور خبرگزاری پارس بر این بود که در روزنامهها نیز چنین حساسیتی وجود دارد و از تکرار این اشتباه که عامل آن نیز توبیخ خواهد شد. فقط حلوقیری خواهد شد. طالب ایحیاست که یکی از روزنامهها صبح تهران با عنایت به توضیحی خبرگزاری پارس متن درست پیام را منتشر کرد ولی

میکردند که، عراقی هستیم. البته ما هم چون موقعیت محل را نمی شناختیم فکر میکردیم از جاهاتی است که عوامل ضد انقلاب در آن هستند و سعی خواستیم خودمان را به آنها معرفی کنیم. در هر حال پس از چند دقیقه دیگر که ما حقیقت را متوجه شدیم که نام ۴۰ کیلومتری مرز قرار دارد. مردم دهکده با دو تراکتور و یک جیب ما را به "گهواره" رساندند. البته این مردم که فهمیدند ما کیستیم خیلی خوشحال شدند و استقبال شندیدی کردند. در گهواره انومیل در اختیار ما گذاشته و بطرف کرمانشاه برافزادیم و سلامت به کرمانشاه رسیدیم.

توکل بخدا آنچه که همه همراهان رئیس جمهوری در حادثه سقوط هلی - کوپتر بر آن اتفاق نظر دارند

خونریزی و اعصاب آرام رئیس جمهوری در زمان حادثه و پیش و پس از آن است. یکی از محافظین میگفت پس از سقوط در محاسن متعال برای سلامت نگهداشتن رئیس جمهوری منتخب خودشان اعلام کردند.

بهرز ماگوسی استاندار کرمانشاهان جز کمانی بود که در هلی کوپتر حامل رئیس جمهوری دچار حادثه سقوط شد. با اینکه در این حادثه مثل بقیه صدماتی ندیدولی جانب است اگر بدانید که او از کرمانشاه بطور اتفاقی سوار هلی کوپتر شد. در یادگان تیب زرمسی ابوذر چون هلی کوپتر حامل وی دیرتر از هلی کوپتر اولی فرود آمد بود باز بطور اتفاقی یک اتومبیل پیکان آماده شد و بدینا راه رئیس جمهوری رفت و بالاخره در قصر شریف نیز بدلیل اینکه هلی کوپتر دوم امکان فرود پیدا نکرد، هلی کوپتر حامل رئیس جمهوری سوار شده خوشبختانه به اینکه بطور تصادفی در کانون خطر قرار گرفت مثل بقیه لطف خداوندی شامل حالش شد و سلامت به کرمانشاه بازگشت.

روزنامه انقلاب اسلامی: توضیح در هنگام مخابره پیام امام تلکس این روزنامه دچار اشکال فنی بود و از تلکس یکی از روزنامههای دیگر استفاده میکردیم متأسفانه توضیحی خبرگزاری پارس بدست ما نرسید اما در همین مورد با خبرگزاری پارس تماس تلفنی گرفتیم و توضیحی که در روز پنجشنبه گذشته به چاپ رسید بر مبنای اظهارات پاس دهنده تنظیم شده بود. بهر حال امیدواریم در آینده با همکاریهای متقابل چنین اشکالاتی پیش نیاید. با امید توفیق برای همکاریان در خبرگزاری پارس.

ساعات شرعی باقی تیران یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ برابر ۶ شوال ۱۴۰۰

اذان مغرب ۲۰/۱۱.....

پایان شفق ۲۱/۲۵.....

طول روز ۱۵ ساعت و ۲۷ دقیقه

اذان صبح (فردا) ۴/۴۵

طلوع آفتاب (فردا) ۶/۲۳

ظهر شرعی (فردا) ۱۳/۰۹

اذان مغرب (فردا) ۲۰/۱۰

چاپ: شرکت ایران چاپ منطقه ۱۱ پستی تلفن ۳۳۸۵۴۱

روزنامه انقلاب اسلامی صاحب امتیاز سید ابوالحسن بنی صدر مدیر مسئول: محمدجعفر سردبیر: سید جمال الدین مرسوی مقابل ادارت خیابان امام خمینی - منطقه ۱۱ پستی تلفن ۳۳۸۵۴۱